



ویژه نامه ی هفته نامه ی شهر سبز

کاری مشترک از کانون فرهنگی پیامبر اعظم(ص)

و اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان شهرستان کازرون

یکشنبه ششم محرم الحرام ۱۴۳۲

- با آثاری از:
- علی اسدزاده
- همت سهراب پور
- امین رصاف
- رضا صنعتی
- میشم پدیدار
- محمدحسین مهبودی
- محسن معمار
- محمد جوشن
- سجاد شریفی
- مهدی رحیمی
- حمیدرضا تقی پور
- محسن کشاورزی



# ششمین

ویژه نامه هفته نامه شهرسبز – یکشنبه ششم محرم الحرام ۱۴۳۲

## م.ح.ر.م

باز به رحمانیتت قسم می دهم تو را، و باز به

پاکی ات فرصتی نو می دهی به من.

رعشه قلبم از عظمت حدیث آن واقعه تمامی ندارد.

صدای بلند نفس هایی که اشک، پاره پاره شان کرده است، وجودم را آتش می زند. صدای یا «آخا»... هنوز از مشرب فرات به سوی دل های خاک گرفته ما حمله می آورد...

کمی دقت کنید...آری، این همان لشکریان اسلامند که این قافله مظلوم را محاصره کرده اند!!!

در آن گرما گرم نبرد، لهیب آتش بود و گلگونی خون...، بدنی بود که گوئی با خون جراحاتش غسلش داده باشند.

السلام علی المقطوع الوتین<sup>۱</sup>... آری رگ قلبش را زده بودند؛خضایی از خون بسته بودند... و آن لب .... آن دندان ... .

تو گوئی کسی که بریدن به اذن اوست، اذن بریدن گلوی خویش را صادر می کند.

جانشین بر حق آدم وادریس و نوح و صالح و ابراهیم و اسماعیل...،اسحق و یعقوب و موسی و هارون و شعیب و داوود و سلیمان...ایوب و یونس و عُزَیر و ذکریا و یحی و عیسی و محمد صلی الله علیه وآله اکنون درسر زمینی است که غرق در بلا است و هماره پوی خون می دهد... .

آری او کسی است که جدش اسماعیل را به ذبحی عظیم فدای داده اند.گفته اند که در این سرزمین بر تن خورشید کفن نمی ماند، و حال تو بگو که چرا ماه نیز بی کفن است؟ اینجاسر های مبارکی را می بینید که هر کدام پی دیگری روان اند و چه اعجابی است که آن سرِ مؤدب هنوز هم، از تواضع در برابر مولایش دست بر نداشته است...نیزه گوشه صورتش را بوسید وسر از پهلو به نیزه رفت، که مبادا بالاتر از مولایش بنشینند. .

زنی که تمام جان های عالم فدای گوشه ای از، حجاب فاطمی اش شود، خیره، به سری می نگرد که مماشش همه فوق حیات است.لب ها بی شروع به خواندن می کنند...
أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَنْزَلَ عَلٰى عَبْدِهِ الْكِتٰبَ وَ لَمْ يُجْعَلْ لَهٗ عِوَجًا...<sup>۲</sup>

قلب ها آرام می شوند...گویی ضمد درد است که به گوش می رسد.

ایمانی که که در بیت السیاست وبیت الایمانی چون بیت علی این ابی طالب تربیت شده است اکنون بقای دین را به دوش می کشد.

چشم در چشم فاسد ترین، عدو دین، لاراأیْتُ اِلَّا الْجَمِيْلَ می خواند و دشمن را به هلاکت می فرستد.

هر کدام تقصیر را به دوش دیگری می اندازند و از اصابات با خطبه های دختر علی فرار می کنند.

کلام زینب روح حماسه را در کالبد خونین عاشورا می دمد و این زخم، برای همیشه تازه می ماند.

### عزاداری و رعایت حال مردم

*حرکت دسته های عزاداری در شبها محرم تا نیمه شب همراه با استفاده از طبل و مثال آن که موجب مزاحمت مردم می گردد چگونه است؟*

**حضرت آیت الله خامنه ای :**

اگر چه اقامه مراسم و شعار دینی در زمانی مناسب در حسینیه از بهترین کارها و جزو مستحبات مؤکد است

برگزار کنندگان مراسم و عزاداران تا حد امکان از اذیت و ایجاد مزاحمت برای مردم بپرهیزند

**حضرت آیت الله سیستانی :**

سعی شود که عزاداری موجب مزاحمت دیگران نشود.

**حضرت آیت الله مکارم شیرازی :**

عزاداری خامس آل عبا علیهم السلام که از فضل قربات است باید به گونه ای برگزار گردد که مزاحمتی

### نقش بی تفاوتی در

## حادثه عاشورا

#### همت سهراب پور

دچار بلا می شوند،در حالی که چهل هزار

نفر این قوم اهل گناه و معصیت بودند،اما شصت هزار نفر دیگرآن،گر چه مستقیم گناه نمی کرده اند،اما در برابر گناه دیگران،بی تفاوت بوده اند.از این رو بلایی که از طرف خداوند نازل شده بود،دامن آنها را هم گرفت.

یکی از عبرتهای عاشورا،توجه به گناه بی تفاوتی و پیامدهای آن است،عاشورا به ما می آموزد که نباید در برابر توطئه های دشمنان و عملکرد اهل باطل، بی تفاوت باشیم،بلکه می بایست حق و باطل را شناخته و در مسیر حق،به دفاع از آن

بپردازیم و تلاش خویش را برای دفع باطل، به کار ببریم.
در حادثه عاشورا نیز این واقعیت روشن است که اگر مسلمانان بی تفاوت نبودندو از حالت تماشاگری

## اصلاح امت

### محسن معمار

(ع) ریشه در نهضتهای اصلاحی انبیا داشت و او وارث خط صلاح و اصلاح پیامبران بود و در این راه جان داد تا مفاسد برچیده شود. این مسأله را از زبان حضرت امام خمینی ۱ بشنویم که فرمود:

(تمام انبیا برای اصلاح جامعه آمده اند، تمام، وهمه آنها این مسأله را داشتند که فرد باید فدای جامعه شود... سیدالشهدا(ع) روی همین میزان آمد رفت و خودش و اصحاب و انصار خویش را فدا کرد، که فرد باید فدای جامعه بشود، جامعه باید اصلاح بشود.) صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۴۸.

دقت در وصیت امام حسین

تمام این وصیت‌های امام اشارتی است به سوی «او» و تکلیف و وظیفه‌ای که امام نسبت به پروردگارش احساس می‌کند. این نکته بنیادین که باید به «او» بخوانیم نه به «خویش» و در همه «حال‌ها» و «قال‌ها» و «امال» او را فرآچشم و حرکت خویش داشته باشیم، محور حرکت و وصیت اباعبدالله است؛ در حرکت‌های ظالمانه، خوشگذرانه، دنیاطلبانه و خودخواهانه نشانی از این فرهنگ نیست.

اصلاح اَمت اسلامی و احیای اصل احیاگر «امر به معروف و نهی از منکر» قطعاً مورد رضای خداست و امام حسین (ع) نیز برای کسب رضای الهی قیام کرده و مشمول این آیه شده است:

برای مردم نداشته باشد و مردم نیز در ایام عزاداری باید تا آنجا که میسر است همکاری کنند .

**حضرت آیت الله صافی گلپایگانی :**

استفاده از طبل جایز نیست .

**حضرت آیت الله بهجت :**

ایذاء و مزاحمت مؤمنین جایز نیست و طبل زدن هم که مطلقاً اشکال دارد .

صفحه ۲

ای اهل کوفه ! ای دغلبازان فریبکار بی وفا ! آیا گریه می کنید؟ پس اشک شما نخشکد و ناله تان خاموش نگردد. مَثَل شما همچون آن زن احمق است که پنبه هایی را می رشت و نخ می ساخت،دوباره آنچه را رشته بود، پنبه می کرد و آنچه را بافته بود،باز می کرد»۱

بی شک قبح این بی تفاوتی در برابر نهضت های الهی،منحصر به زمان امام حسین (ع) نمی باشد.در هر زمانی،این کار،غلط و از گناهان بزرگ به شمار می آید.امروز نیز اگر ما در برابر انقلاب بزرگ خلف صالح امام حسین(ع)، یعنی امام خمینی(رض) و نیز در برابرنظامی که با زحمت ایشان و جانفشانی هزاران شهید و تلاش ملت بدین جا رسیده،بی تفاوت بوده و بدین طریق به حاکمیت الهی، لطمه بزنیم، مسئول می باشیم و در پیشگاه الهی هیچ جوابی نخواهیم داشت. از این رو،پیروان واقعی امام حسین(ع) کسانی هستند که در هر شرایطی،مدافع انقلاب،امام،ولایت و رهبری باشند و حالت بی تفاوتی را از قاموس حیاتشان بزدایند.

کوتاه سخن این که به راستی امام حسین علیه السلام را باید قهرمان این میدان دانست. آن حضرت علاوه بر امر به معروف قلبی و زبانی، عمل به آن را نیز به منتهای اوج خود رساند و بالاترین مرحله عملی آن را انجام داد، و با شجاعتی وصف‌ناپذیر به

همگان اعلام کرد:

«أَيُّهَا النَّاسُ! فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَصِيرُ عَلٰى حَذِّ السَّيْفِ، وَ طَعْنِ الْأَسِنَّةِ، فَلْيَقُمْ مَعَنَا وَ إِلَيَّا فَلْيَنْصُرِفْ عَنَّا؛ ای مردم! هر کس از شما در برابر تیزی شمشیر و زخم نیزه‌ها شکیبا است، با ما بماند و آلا از ما جدا شود!!».

بنایبح المودهٔ، ص ۴۰۶.

مطابق روایات قیام با شمشیر (در جای خود) عالی‌ترین و پرفصلیت‌ترین مرحله از مراحل امر به معروف و نهی از منکر است که امام حسین علیه السلام به آن اقدام کرد.

امیرمؤمنان پس از بیان مراحل سه گانه امر به معروف و نهی از منکر (قلبی، زبانی و عملی)، فرمود:

«وَ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ كَلِمَةٌ عَدَلٌ عِنْدَ

إِمَامٍ جَائِزٍ؛ اما از همه مهم‌تر سخن به حقی است که در برابر پیشوای ستمگری گفته شود». نهج البلاغه، کلمات قصار، حکمت ۳۷۴

امام حسین علیه السلام نه تنها با سخنانش به افشای جنایات بنی‌امیه پرداخت که با شمشیر بر ضدّ آنان به مبارزه برخاست و تا پای جان ایستادگی کرد و این حرکت خویش را «امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح امور جامعه» نامید و در بیان و سخنان خویش، به طور مکرر از این فریضه بزرگ یاد کرد، و با صراحت، یکی از انگیزه‌های حرکتش را احیای همین امر مهم شمرد.

<sup>[1]</sup> فرزای از زیارت ناحیه مقدسه

<sup>[2]</sup> آیه اول تا سیزدهم از سوره مبارکه کیف که توسط سر بریده امام حسین در بازار صرافان کوفه فراتت شد



# ششمین

ویژه نامه هفته نامه شهرسبز - یکشنبه ششم محرم الحرام ۱۴۳۲

یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های قیام امام حسین(ع)، بحث امر به معروف و نهی از منکر بوده است و خود امام می‌فرماید: «انی لم اخرج اشرأ و لایطراً و لامفسداً و لاظالماً انما خرجت لطلب الاصلاح فی امهٔ جدی ارید ان امر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر بسیرهٔ جدی و ابی» من برای ظلم و فساد، خودخواهی و اموری از این قبیل قام نکردم بلکه من قیام کردم برای اینکه در امت جدم اصلاح کنم و امر به معروف و نهی از منکر را به جای بیاورم و سیره‌ی جدم رسول‌الله(ص) و پدرم امیرالمؤمنین علی (ع) را اقامه کنم. اینکه امام هدف از قیامشان را مسأله‌ی امر به معروف و نهی از منکر معرفی می‌کنند، نشان از جایگاه ویژه‌ی امر به معروف و نهی از منکر در مکتب ما دارد.

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام

این مسأله، هم در قرآن مجید و هم در روایات ما، مکرر تأکید شده است به گونه‌ای که اگر انسان این آیات و روایات را ملاحظه کند و با سایر دستورات و تعالیم اسلام مقایسه کند به این نتیجه می‌رسد که مهمترین واجبات الهی (تأکید می‌کنم: مهمترین واجبات الهی) امر به معروف و نهی از منکر است.

قرآن مجید می‌فرماید: «کنتم خیر امهٔ اخرجت للناس» شما برترین امت‌ها هستید. چرا؟ چون امر به معروف و نهی ازمنکر می‌کنید «تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر» یعنی ملاک برتری امت اسلام، امر به معروف و نهی از منکر معرفی شده است. نگفتند شما برترین امت‌ها هستید چون بیشتر نماز می‌خوانید، بیشتر روزه می‌گیرید، ریاضت‌های بیشتری دارید، حج دارید، خمس دارید و زکات دارید! اینها را نگفتند! فرمودند: علت اینکه شما برترین هستید، آن ست که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید. این مسأله‌ی بسیار مهمی است.

پرسشی از امام علی(ع)

برای اینکه اشاره‌ای به این موضوع داشته باشیم و هم اینکه نگاهی به حوادث روزگار خودمان داشته باشیم؛ روایتی از امام علی (ع) انتخاب شده است تا اندکی درباره‌ی آن سخن بگوییم.

ماجرا از این قرار بوده است که امام در مسجد در حال سخن گفتن بودند که شخصی از ایشان سؤال می‌کند که این تعبیر «میهٔ الاحیاء» به چه معناست؟ در لسان دینی ما تعبیری با عنوان «میهٔ الاحیاء» وجود دارد! «میهٔ» یعنی «مرده» و «احیاء» یعنی «زندگان»! آن شخص از امام(ع) سؤال می‌کند: به چه کسی می‌گویند «میهٔ الاحیاء»؟

مردم چهار گروهند!

امام علی(ع) در پاسخ به این شخص، افراد جامعه را به چهار گروه تقسیم می‌کنند:

۱. گروه زندگان

گروه اول «المنکر للمنکر بیده و لسانه و قلبه فذلک المستکمل لخصال الخیر» گروه اول کسانی هستند که وقتی

### هروله در عزاداری

*بعضی ملاح ها می‌گویند:امام حسین علیه (السلام) روزعاشورا هروله کرد، لذادرعزاداری ها بایدهروله نمود آیا چنین عملی مشروع است ؟*

**حضرت آیت الله سیستانی:**

صحت مطلب نقل شده ثابت نیست

**حضرت آیت الله صافی گلپایگانی :**

چنین چیزی نشنیده ایم

**حضرت آیت الله تبریزی:**

خصوصیات واقعه ازامورقطعیه نیست ، لذاباتخیالات و تصور واقعه ازدیدو ملاحظات افراد مخلوط می شود و این امور را نباید به ائمه علیه السلام نسبت داد.

**حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:**

درموردسؤال هروله استحباب نداردو انجام

آن به قصد عبادت مشروع نیست.

**حضرت آیت الله مکارم شیرازی:**

این مطلب صحت نداردوامام حسین (علیه السلام) هرگزدرعاشورا هروله نکرد.

**حضرت آیت الله بهجت :**

به قصد استحباب خصوصی انجام ندهند.

صفحه ۳

رمقی در وجودشان هست چرا که از دیدن و شنیدن گناه آزرده می‌شوند. گرچه اکثر وجودشان مرده است اما فعلاً می‌شود آنان را جزو زنده‌ها محسوب کرد.

۴. گروه مردگان!

اما گروه چهارم: امام درباره‌ی این گروه می‌فرماید: «و منهم تارک لانکار المنکر بلسانه و قلبه و یده فذلک میت الاحیاء» گروه چهارم کسانی هستند که وقتی گناه را می‌بینند برای مقابله‌ی با آن نه در میدان عمل حاضرند، نه اهل نهی از منکر زبانی هستند و نه حتی قلباً آزرده می‌شوند! به قول ما ککشان هم نمی‌گزد! می‌گویند: به ما چه! مگر سرمان برای دردسر درد می‌کند! گاهی حتی با گناهکاران می‌گویند و می‌خندند و رفاقت دارند! گناه برایشان یک چیز طبیعی و عادی است به همین دلیل از اینکه گناه را می‌بینند آزرده نمی‌شوند!

چرا عده‌ای از دیدن گناه دیگران ناراحت نمی‌شوند؟

این البتّه علت دارد. افرادی این حات را دارند که قلب خودشان به گناه آلوده شده است. انسان تا قلبش به گناه آلوده نشده باشد از دیدن گناه، از شنیدن گناه ناراحت می‌شود. اما وقتی قلب انسان آلوده شد دیگر از اینکه ببیند شخص دیگری گناه مرتکب می‌شود اون هم آزرده نخواهد شد! چرا؟ چون خودش مبتلاست. چون خودش گرفتار است. کسی که خودش گرفتار است ممکن است تا یک مدتی هم بتواند ظاهر خودش را حفظ کند اما چون شاهد گناه و معصیت خداوند در وجود خودش هم هست کم‌کم از قیاحت و زشتی گناه در ذهن او کاسته می‌شود و به جایی می‌رسد که از گناه خود و دیگران حتی قلباً هم آزرده نمی‌شود!

هم‌چنانکه سیر الی الله و حرکت انسان به سمت خداوند تدریجی است و سالک الی الله گام به گام به سمت خدا نزدیک‌تر می‌شود، گاهی حرکت سقوطی انسان هم تدریجی است. گاهی انسان در مرحله‌ی اول یک گناهی را مرتکب می‌شود، از انجام آن گناه لذت می‌برد، بعد برای درک مجدد آن لذت دوباره مرتکب گناه می‌شود تا جایی که به آن گناه عادت می‌کند و کسی که به یک گناه عادت کرد، قیاحت آن گناه برای او از بین می‌رود و چون ماهیت گناه معصیت خداست، او به معصیت خدا عادت کرده و وقتی کسی به معصیت خدا عادت کرد ارتکاب گناهان دیگر نیز برای او آسان خواهد شد چون ماهیت همه‌ی گناهان یکی است! ماهیت همه‌ی گناهان معصیت و نافرمانی خداوند است.

وقتی انسانی در یک موضوعی مداوم خدا را نافرمانی می‌کند و عادت بر آن پیدا می‌کند کم‌کم این عادت به موضوعات دیگر هم کشیده می‌شود و انسان را از آن حالت زندگی، زنده بودن، فعال بودن، از آن حالت نورانیت قلب خارج می‌کند و به قساوت و تاریکی قلب می‌کشاند. و کسی که خود را گناهکار می‌بیند از گناه دیگران نیز آزرده نخواهد شد.

**ادامه در صفحه ۴**



**هدف امام حسین(ع) از قیام کربلا**

## مرده‌ای در میان زندگان

رضا صنعتی

شرایط خاصی تکلیف باشد) را ندارند! پایشان می‌لنگد.

امام می‌فرماید: این گروه دوم «مستمک بخصلتین من خصال الخیر و مضیع خصلهٔ» به دو خصلت از خصال خیر تمسک کردند، چنگ زدند. دو خصلت از خصال خیر را دارند. هم قلباً آزرده می‌شوند، هم در نهی از منکر لسانی حاضرند اما یکی از خصلت‌ها

**ملاک برتری امت اسلام، امر به معروف و نهی از منکر معرفی شده است. نگفتند شما برترین امت‌ها هستید چون بیشتر نماز می‌خوانید، بیشتر روزه می‌گیرید، خمس دارید و زکات دارید! اینها را نگفتند!**

(یعنی نهی از منکر عملی) را ضایع کردند. به هر حال بیش از آنکه مرده باشند زنده‌اند.

به هر حال اگر کسی از این گروه دوم باشد باید تلاش کند ضعف خود را در خصلت سوم برطرف کند. باید منشأ آن ضعف را در وجود خود پیدا کرده و آنرا برطرف کند. تلاش کند جزو گروه اول باشد. گاهی یک خصلت روحی از زمان بچگی با انسان همراه بوده، مثلاً از شجاعت کمی برخوردار است. بالاخره عوامل مختلفی باعث می‌شود که انسان آن خصلت سوم را نداشته باشد. خب باید شناسایی کند که چه عواملی باعث شده که او مرد میدان عمل نباشد و در میدان عمل حاضر نباشد. عامل آن را شناسایی کند و برطرف کند.

اگر اکثر افراد جامعه از دو گروه اول بودند...

اگر این دو گروه، اکثریت جامعه را شکل بدهند، واقعاً فساد از جامعه رخت برمی‌بندد و فساد قدرت رشد نخواهد داشت. حتی اگر اکثر افراد جامعه از گروه دوم هم باشند، فساد جرأت رشد در جامعه پیدا نمی‌کند اما اگر اکثریت جامعه عضو گروه‌های سوم و چهارم بودند؛ آن وقت می‌بایست برای جامعه نگران بود.

منکرات را می‌بینند، گناه را می‌بینند، فساد را می‌بینند؛ اولاً قلباً آزرده می‌شوند، ناراحت می‌شوند که چرا در جامعه، در محیط علنی اجتماع – خصوصاً در جامعه‌ی اسلامی – فلان گناه به طور علنی وجود داشته باشد؟! قلباً آزرده می‌شوند. علاوه بر اینکه قلباً آزرده می‌شوند، آماده‌ی نهی از منکر لسانی (زبانی) هم هستند و آن جایی که گناه

آشکاری را می‌بینند به وظیفه‌ی خود در نهی از منکر زبانی عمل می‌کنند و علاوه بر اینکه نهی از منکر لسانی دارند، اگر پای میدان عمل هم باشد، اگر در شرایط خاصی نهی از منکر عملی هم تکلیف باشد و برای جلوگیری از فساد به فراتر از نهی از منکر زبانی نیاز باشد، به اقدام عملی احتیاج باشد، آنها مرد میدان نهی از منکر عملی هم هستند. پای میدان نهی از منکر عملی هم ایستاده‌اند و از احکام الهی، از قانون‌ها و نوامیس الهی دفاع می‌کنند.

این گروه اول افراد زنده‌ای در جامعه‌ی خودشان هستند. انسان‌های فعال، مؤمن، متدین، مدافع دین، مکتب و مذهب در سه میدان قلب، زبان، عمل حاضر در میدانند. این گروه اول بود که ان شاء الله خداوند همه‌ی ما را جزو این گروه قرار دهد.

۲. گروهی با دو خصلت از زندگان

گروه دوم: «و منهم المنکر بلسانه و قلبه و التارک بیده و ذلک مستمسک بخصلتین من خصال الخیر و مضیع خصلهٔ» کسانی هستند که وقتی منکرات را می‌بینند قلباً آزرده می‌شوند، نهی از منکر لسانی را هم انجام می‌دهند. پای میدان نهی از منکر زبانی هستند و گناهی را که می‌بینند، صاحب آن گناه را از عملش نهی می‌کنند، می‌گویند: چرا چنین کاری را انجام می‌دهی؟ چرا فلان گناه را مرتکب می‌شوی؟ نصیحت می‌کند. نهی می‌کنند. اما اگر پای میدان عمل پیش آمد، در میدان عمل دیگر حاضر نیستند! اهل اقدام عملی نیستند! جرأت ورود در میدان عمل (اگر در

# مشق

ویژه نامه هفته نامه شهرسبز - یکشنبه ششم محرم الحرام ۱۴۳۲

### ادامه از صفحه ۳

خروج از انسانیت
امام می‌فرمایند: این گروه چهارم همان «میت الاحیاء» هستند. اینها مردگان در میان زندگانند!
ظاهرشان این است که انسان زنده هستند اما باطنشان مرده است! اساساً آنها از نظر اسلام محترم نیستند! یک تعبیری گاهی افرادی به کار می‌برند معلوم نیست که این تعبیر را از کجا آورده اند! از قوطی کدام عطاری بیرون آمده است؟! اینکه انسان‌ها جدای از اینکه دارای چه دین و مسلک و تفکر و روش و منشی باشند چون انسان هستند پس کرامت دارند! همه ی انسان‌ها به صرف انسان بودن، فارغ از اینکه چه عقیده، چه مکتبی، چه دین و چه مرامی داشته باشند، کرامت دارند! این حرف در بعضی از مجامع روشنفکرنمایی خیلی تکرار می‌شود! ما می‌گوییم این حرف از کجا آمده که انسان و لو اینکه چه مذهب و دینی داشته باشد کرامت دارد؟ ما قرآن را می‌خوانیم. ملاک ما برای ارزیابی اینطور گزاره‌ها قرآن و روایات معصومین (ع)است. قرآن چه گفته؟ قرآن درباره ی بعضی از انسان‌ها می‌فرماید: «اولئک کالاتعام بل هم اضلّ سبیلاً» می‌فرماید: بعضی از انسان‌ها مثل حیوان بلکه گمراه‌تر از حیوانات! چه کسی گفته هر انسانی به صرف اینکه انسان است کرامت دارد؟! شاید اگر خداوند متعال فقط می‌فرمود: «اولئک کالاتعام» حیوانات حق داشتند؛ اعتراض کنند که خدايا! شما به این موجود دو پا عقل دادی، قدرت تفکیر، تعقل، اندیشه، قدرت نطق دادی، آن وقت وقتی نافرمانی می‌کند، معصیت می‌کند، با ما مقایسه‌اش می‌کنی؟ واقعاً حق اعتراض داشتند! ولذا خداوند متعال می‌فرماید: «بل هم اضلّ سبیلاً» آنها گمراه‌تر از حیوانات هستند

مؤمن دریایی باشیم!

در ادامه ی روایت امام علی (ع) تعبیر بسیار عجیبی را در مورد امر به معروف و نهی از منکر بیان می‌کنند. اول صحبت اشاره کردیم اما اینجا صریح روایت است. امام می‌فرمایند: «و ما اعمال البر کلها و الجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمعروف و نهی عن المنکر الا کشفته فی بحر لجی» اینجا در رابطه با همه ی نیکی‌ها و امر به معروف و نهی از منکر مقایسه‌ای صورت گرفته است. امام می‌فرماید: اگر همه ی نیکی‌ها و خوبی‌ها که از جمله ی آن‌ها جهاد در راه خداست را یک جا جمع کنید و با امر به معروف و نهی از منکر مقایسه کنید، آیا این‌ها با هم برابر می‌شوند؟ نه! امام می‌فرمایند: همه ی اینها با هم مثل یک قطره هستند اما امر به معروف و نهی از منکر دریایی مواج است! خیلی تعبیر عجیبی است یعنی اگر ما نمازمان را به بهترین شکل و سر وقت بخوانیم، روزه مان را درست بگیریم، حجامان را بجا بیاوریم، خمسمان را بدهیم، زکاتمان را بدهیم، صدقه بدهیم، نماز شب بخوانیم، عبادات مختلف، دعا، شرکت در مجالس مذهبی، همه اینها را که در جای خود اهمیت بسیار زیادی دارند را درست بجا بیاوریم حتی جهاد در راه خدا هم داشته باشیم اما امر به معروف و نهی از منکر نداشته باشیم، مثل این است که یک قطره از دین را داشته باشیم!
حال باید خود را بررسی کنیم که آیا ما جزو مؤمنان قطره‌ای هستیم یا مؤمنان دریایی و بینیم جزو کدام یک از این چهار گروهی که حضرت امیر المومنین (ع) معرفی کردند هستیم.

### استفاده ازنی درعزاداری

*نی زدن درمراسم عزاداری وهیئات سینه زنی یا زنجیرزنی چه صورت دارد؟*

**حضرت آیت الله بهجت:**

نی زدن اشکال دارد .

**حضرت آیت الله تبریزی:**

این را بررسی کنیم. ارزیابی کنیم؛ اگر نقصی داریم، اگر جزو گروه اول نیستیم؛ حالا هر گروه دیگری که هستیم سعی کنیم سریع خودمان را برسانیم، نقصهای خود را جبران کنیم.

از نقص در جان و روزی خود تترسید!

بعضی از افراد امر به معروف و نهی از منکر را از ترس جان یا روزی‌شان ترک می‌کنند اما امام علی (ع) در ادامه ی روایت این ضمانت را به ما می‌دهند که: «و ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر لایقربان من اجل و لاینقصان من رزق» امر به معروف و نهی از منکر اولاً اجل کسی را نزدیک نمی‌کند و اگر اجل کسی از ابتدا در امر معروف و نهی از منکر قرار داده نشده باشد، با به جا آوردن آن، این اجل فرا نمی‌رسد. بله! اگر از ابتدا اجل ما در امر به معروف و نهی از منکر مقدر شده باشد مثلاً مقدر شده باشد که ما نهی از منکری انجام بدهیم و به واسطه ی این نهی از منکر؛ کشته بشویم، شهید شویم، چه افتخاری بالاتر از این؟ مگر نه اینکه ما می‌گوییم: یاحسین! ای کاش در صحرائ کربلا بودیم و ترا یاری می‌کردیم؟
خب یاری کردن امام حسین(ع) مگر غیر از این است که امر به معروف و نهی از منکر کنیم؟
خب اگر قرار است اجل ما با امر به معروف و نهی از منکر برسد چه بهتر از این و اگر اجل ما فرا نرسیده امر به معروف و نهی از منکر هم اجل کسی را نمی‌رساند.ثانیاً: امر به معروف ونهی از منکر روزی کسی را کم نمی‌کند. روزی انسان که دست بنده ی خدا نیست. روزی هر کس دست خداوند است. پس روزی کسی با امر به معروف و نهی از منکر قطع نمی‌شود.

امر به معروف و نهی از منکر باید روش مند باشد

البته اینجا یک تذکر لازم است، داده شود: امر به معروف و نهی از منکر اصول و روش دارد. صرف اینکه کسی بگوید من می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و با هر روشی که دلش خواست عمل کند، صحیح نیست. ما می‌گوییم امر به معروف و نهی از منکر باید روش‌مند است. آن چیزی که اسلام به ما توصیه کرده است: ابتدا در چهره در مرحله ی بعد با زبان نرم و لَین تا آنجایی که امکان دارد بعد اگر نتیجه نداد لحن را تندتر باید کرد اما مرحله عملی امر به معروف و نهی از منکر در صورت تشکیل حکومت مقتدر اسلامی تنها بر عهده ی مسئولان مربوطه است. در این زمان فراتر از نهی منکر لسانی از ما خواسته نشده است البته اگر مسئولان به وظایف خودشان عمل نکردند باید همانها را هم امر به معروف و نهی از منکر کرد.

بالاترین امر به معروف و نهی از منکر

امام علی(ع) در آخرین قسمت از این روایت می‌فرمایند: «و افضل من ذلک کله کلمه عدل عند امام جائز» بافضیلت‌ترین امر به معروف و نهی از منکرها این است که حرف حقی، امر به معروف و نهی از منکری را در مقابل حاکم ستمگری بیان کنیم. یعنی در امر به معروف و نهی از منکر نیز باید منکرات بزرگ را بیش از بقیه‌ی منکرات هدف گرفت. البته این بدان معنا نیست که منکرات کوچک‌تر را رها کنیم بلکه به این معنی است که بزرگ‌ترین نهی از منکر این است که منکر بزرگ را بشناسد و آن را نشانه بگیرد و آن را نهی کند، حاکم ستمگر را نهی کنیم.

نی از آلات لهواست نی زدن وگوش دادن به آن جایز نیست.

**حضرت آیت الله فاضل لنکرانی :**

اگربه صورت مطرب ومناسب مجالس خوشگذرانی با مراجعه به اهل عرف خواهد بود.

نواخته شود یا به نوعی وهن وهتک محسوب شود

جایز نیست .

زین للناس حب الشهوات من النساء

و البنین و القاطیر المقطره من الذهب و الفضة و النحیل المصومه و الانعام و الحرث ذلک متاع الحیوه الدنیا و الله عنده حسن العآب \*برای مردم حب شهوات نفسانی که عبارتست از میل به زنها و فرزندان و همیانهای زر وسیم و اسبهای با نشان نیکو و چهار پایان و مزارع زینت داده شده لکن اینها همه متاع زندگانی فانی و دنیوی است و بازگشت نیکوتر نزد خداست .(آل عمران آیه۱۴)

با دقت در آیات قرآن می‌توان به این نکته پی برد که دنیای مذموم از نوعی ارتباط نا صحیح بین انسان و نعمتهای الهی حاصل می‌شود به این صورت که انسان نعمتهای الهی را در راه غیرالهی مورد استفاده قرار می‌دهد و موجبات غضب حق تعالی را فراهم می‌نماید .

باید توجه داشت که حب فرزند و همسر و ... از نعمتهای الهی دنیای مذموم نیست زیرا این موارد منظور در انسان است پس معنا ندارد که مورد غضب الهی باشد ولی آنچه

مورد غضب الهی است

اینکه انسان برای همسر و فرزند و مال و... استقلال قائل شود و حب آنها در مقابل حب به خدا باشد . و معلوم است که« ما جعل الله لرجل من قلیبن فی جوفه (سوره احزاب آیه ۴) خداوند برای هیچ کس دو قلب در پهلو یش قرار نداده است»پس حب به خدا و حب به غیر او در قلب انسان جمع نمی‌شود همچنانکه در حدیث معراج آمده است که « قال الله تعالی یا احمد : لو صلی العبد صلاه اهل السّما و الارض و یصوم صیام اهل السماء و الارض و یطوی عن الطعام مثل الملائکه و لبس لباس العابدین ثمّ أری فی قلبه من حب الدنیا ذره او سمیتها لا یجاورنی فی داری و لا نزعن من قلبه محبتی »

ای احمد : اگر بنده، نماز اهل آسمان و زمین را بخواند و روزه آنها را بگیرد و مثل ملائکه از خوردن غذا کناره گیری کند و مانند عابدان زندگی کند پس در قلب او ذره ای از حب دنیا و حب ریاست بینیم مجاور من نخواهد بود و قلب او را از محبت خالی می‌گردانم.

**۲- مذمت دنیای مذموم در**

**حضرت آیت الله مکارم شیرازی:**

کلیه صداها وآهنگ هایی که مناسب مجالس لهو

و فساداست حرام و غیرآن حلال است وتشخیص آن

اگربه صورت مطرب ومناسب مجالس خوشگذرانی با مراجعه به اهل عرف خواهد بود.

**حضرت آیت الله سیستانی :**

اگربه کیفیت لهوی نباشدمانعی ندارد.

## تصویری صحیح از دنیای مذموم

### میثم پدیدار

**کلام ابا عبدالله الحسین (ع)**

حدیث اول :

قال الحسین (ع):« انّ النّاس عبید الدنیا و الدین لعق علی السّنتهم یحوظونه مادارت معاشهم فاذا محصوا بالبلاء الذّیانون» همانا مردمان بندهٔ دنیابند و دین لقلقه زبان آنهاست و هر جا منافعشان بوسیله دین بیشتر تأمین شود آنرا می‌چرخاند و چون به بلا آرموده شوند آنگاه دین داران اندکند .

این روایت ترجمهٔ آیه شریفه « و من الناس من یعبد الله علی حرف فان اصابه خیر اطمان به و ان اصابته فتنه انقلب علی وجهه خسر الدنیا و الاخره» و بعضی از مردم خدا را تنها به زبان می‌پرستند از این رو هرگاه به خیرو نعمتی رسد اطمینان خاطر یابد و اگر به شر و فقر و آفتی بر خورد کند از این خدا روی گرداند چنین کسی در دنیا و آخرت زیان کار است .

این دو کلام نورانی هر دو بیانگر این حقیقت است که دین باید در قلب نفوذ کند و قلب را نورانی کند و

### بعضی از مردم خدا را تنها به

### زبان می پرستند از این رو هرگاه به

### خبرو نعمتی رسد اطمینان خاطر یابد و

### اگر به شر و فقر و آفتی بر خورد کند از

### این خدا روی گرداند چنین کسی در دنیا

### و آخرت زیان کار است .

اگر تنها از دین پوسته آن باقی ماند انسان اهل دنیا می‌شود هر چند خود را از جمله دین داران و پاکان پندارد .

حدیث دوم :

« قال الحسین (ع) : عجب لمن اختبر الدنیا کیف یطمئن : تعجب می‌کنم از کسی که دنیا را آرموده چگونه به آن دلخوش می‌کند» اختیار و امتحان دنیا به دو صورت امکان پذیر است یکی اینکه خود انسان تجربه کند و از تجربیات خود در س بگیرد که در این صورت دلخوش از دنیا نخواهد داشت یا اینکه سر گذشت پیشینیان را مطالعه کرده واز آن عبرت بگیرد همانگونه که قرآن می‌فرماید : لقد کان فی قصصهم عبره لاولی الالباب ؛البته همانگونه که از آیه بر می‌آید باید صاحب لب و عقل بود واز سرگذشت

### استقتانات - ۳

گذشتگان عبرت گرفت.

**درس دنیا پرستی از عوامل**

### زمینه ساز عاشورا

از زمان رسول الله چیزی نگذشته بود که انحرافی عمیق در امت واحده اسلامی ایجاد شد که اولین این انحرافات به ماجرای سقیفه و غصب خلافت از امیرمؤمنان (ع) بر می‌گردد . مسلماً یکی از عوامل زمینه سازی این جریان حب ریاست دنیوی و دنیا طلبی بعضی از صحابه پیامبر اکرم(ص) بود در حدیثی از خلیفه دوم آمده که« قال عمر ادع الله یا رسول الله ان توبیع علی امتک فقد وسع علی فارس و الروم و هم لا یعبدون الله فاستوی جالسا ثمّ قال أفی شکّ انت یا بن الخطاب اولئک قوم عجلت لهم طیبا تهیم فی الحیوه الدنیا » که لحن خلیفه در این سؤال خودتوجه به دنیا توسط او حتی در زمان پیامبر است

این انحراف رفته رفته و در زمان خلافت عثمان و معاویه به اوج خود رسید تا آنجا بیت المال تبدیل به مال البیت شد و حاتم بخشی های این افراد در تواریخ ثبت شده است و از آنجا که« الناس علی دین ملوکهم : مردم هم همان روش حاکمان جور را پیش گرفتند و شیفتهٔ دنیا شدند که هیچ سخن حقی در دلشان اثر

نداشت تا آنجا که در سخنان و خطبه های امام حسین در روز عاشورا به و فور به این نکته اشاره شده است که سخن حق در شما جماعت کوفی اثری ندارد و این دنیا پرستی چنان در بین مردم امت گرفت که عدهٔ زیادی از مردم امت اسلامی تنها بخاطر وعده های دنیوی حاضر شدند در مقابل امام و مولاپشان صف آرایی کنند و از هیچ جنایتی فرو گذار نکردند

قال علی (ع) :« من عبد الدنیا و آثر ها علی الاخره استوخم العافیه» هرکس بنده دنیا شدو دنیا را بر آخرت ترجیح داد به ناچار فرجامی ناگوار خواهد داشت . وجه بد عاقبتی داشتند آنهایی که در مقابل امام برحقشان ایستادند و هم دنیا را از دست دادند و هم آخرتشان دچار تباهی شد .

# ششمین

ویژه نامه هفته نامه شهرسبز - یکشنبه ششم محرم الحرام ۱۴۳۲

یکی از مهمترین ابعاد حماسه عاشورا ، درس های عاشورا است در این میان

ولایتمداری به

گونه ای خاص خودنمایی می کند بنحوی که اگر به صورت دقیق به این مسأله بپردازیم می‌تواند نسخه شفابخشی برای بسیاری از درد های جامعه ی امروزمان باشد.

ولایت مداری همان طور که پیداست به معنای تبعیت و پیروی از ولایت است که انواع مختلفی دارد و مهمترین آنها عبارت است از : ولایت خدا ،ولایت پیغمبر،ولایت امام معصوم و ولایت ولی فقیه. پس ولایتمداری یعنی تبعیت از خدایرسول خدا،امام و ولی فقیه و دروجوب این تبعیت هم شکی نیست .

حال به تبیین ابعاد این مهم و خصوصیت افراد ولایتمدار میپردازیم. افراد ولایتمدار چند ویژگی اساسی دارند که این خصوصیات مکمل و زیر مجموعه ی یکدیگرند و هرکدام بدون دیگری ناقص است و نمی تواند راهگشا باشد.

اولین خصوصیت این افراد داشتن بصیرت بمعنای حقایقی که به باور قلبی رسیده است، می باشد. بصیرت یعنی دانایی و علمی که به اعتقاد قلبی مبدل شده باشد که این امر موجب هدایت و حرکت است . در غیر اینصورت یعنی علمی که مقرون باور نباشد مایه ی حرکت و عمل نمیشود.به عنوان مثال برخی انسانها علی رغم علم به مضر بودن سیگار از آن استفاده میکنند چون این علم از ساحت ذهن به قلب نفوذ نکرده،پس مایه ی عمل نمیشود. بصیرت انسان را از غفلت بیدار میکند و او را از خطر گمراهی و موضعگیری های غافلانه در امان میدارد و همچون سپر در هنگام فتنه انسان را محفوظ میدارد. اگر شریح قاضی فردی بابصیرت بود و علمش به قلبش رسوخ کرده بود؛ شرایط را به گونه ی دیگری پیش میبرد و مسیر تاریخ را به سمت دیگری می کشاند.حضرت ابوالفضل العباس(ع) اسطوره ی بصیرت و ولایتمداری این گونه از بصیرت خویش پرده برمیدارد و در جواب امان نامه ی شمر ملعون میفرماید: لعنت خدا بر تو باد و بر امائی که برای ما آورده ای. ای دشمن خدا آیا امر می کنی ما از برادر و از سید و مولای خود حسین فرزند فاطمه دست برداریم. و داخل در اطاعت اولاد زنا و فرزندان لعین ها شویم. حضرت زینب (س) این بصیرت را به اوج میرساند و با

## حمل علامت های فلزی در عزاداری

حمل علامت های فلزی دارای نقش ونگاردرمراسم عزاداری که ازنظرمحتوایی وارزشی تأثیرکنارنیست بازنظرشرعی چگونه است؟

**حضرت آیت الله صافی گاپایگانی :**

اشکال ندارد.

## ولایت مداری

### محسن کشاورزی

گفتن ما رأیت الا جمیلا معنای

بصیرت را به عالمیان می‌شناساند.

دومین خصوصیت ولایتمداران، عشق آتشین به مولا و رهبر است. عشقی که سرپای وجودشان را فرا گرفته است و ایشان را آماده ی جانبازی و جان فشانی در راه امام و ولی بر حق میکند. اگر به عشق بازی های امام حسین (ع) و یارانش در شب و ظهر عاشورا توجه کنیم این عشق بی مثال را به خوبی درک میکنیم.مسلم بن عوسجه به امام عرضه داشت «ای پسر پیامبر آیا دست از تو برداریم و برویم؟! نه به خدا سوگند من از خدمت تو دور نمی شوم. اگر در یاری تو کشته شوم و باز زنده ام کنند و دوباره بکشند و جسد را آتش زند هم چنان همین کار را می کنم و هرگز از تو جدا نمی شوم». امام حسین به بشر بن عمرو خضرمی که پسرش را به اسیری گرفته بودند؛ فرمود «من بیعت از تو بر می دارم. تو آزادی که بروی و فرزندت را از اسیری نجات دهی» بشر عرضه داشت : «ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم ، بدنم طعمه درندگان بیابان شود اگر تو را در این حال تنها بگذارم. به خدا سوگند، محال است تو و خانواده ات را رها کنم. جان من و اهل و عیالم فدای تو باد!». این عشق فزاینده در افراد ولایت مدار باعث خود فراموشی می شود ، باعث میشود که در امام محو شوند و جلب رضایت مولی از هر کاری برایشان لذت بخش تر باشد.

سومین ویژگی افراد ولایتمدار انعطاف پذیری است . پذیرفتن قوانین ثابت و هماهنگ کردن خود با این مقررات راحت است اما هماهنگ شدن افراد با قوانین سیال و پذیرفتن آنها مشکل است و کار هرکسی نیست. به طور مثال هر فردی با هر انگیزه ای یایه هر نحوی پشت چراغ قرمز می ایستد و مشکلی هم با آن ندارد چون یک قانون ثابت است . حال اگر این فرد پشت چراغ قرمز ایستاده باشد و چراغ سبز شود و بخواهد حرکت کند ؛ ناگهان پلیسی که سر چهارراه ایستاده بنا بر مصلحت از رفتن او جلوگیری میکند اینجاست که او ناراحت میشود و اعتراض میکند ، هرچند او قانون ثابت چراغ قرمز را پذیرفته ولی نسبت به قانون سیال پلیس منعطف نیست.

پیر مرد عابدی از بنی اسرائیل مشغول نماز خواندن بود ناگهان زمین دهان باز کرد و او را بلعید و

گرفتار عذاب شد(آمال شیخ طوسی).

این فرد دید که دو کودک در حال کندن بال خروسی هستند و او را به شدت عذاب میدهند اما به سمت بچه ها نیامد و آنها را از کارشان منع نکرد به همین دلیل در زمین فرو رفت . خداوند با این کار میخواهد بفرماید :درست است قانون ثابت نماز خواندن خوب است ولی بعضی اوقات حتی در میان این قانون ثابت دستور سیالی به تو می دهم که باید انعطاف پذیر باشی و این انعطاف از خوب بودن تو در اجرای قوانین ثابت برتر است.

لذا باید بدانیم که مشخص ترین عامل امتحان میزان انعطاف پذیری افراد، ولایت است وقرقی نمیکند ولایت معصوم باشد یا غیر معصوم. کسی که در مقابل اوامر سیال ولایت منعطف نباشد تمام خوبی های قبلی او هم مورد قبول واقع نمیشود.

شیطان فقط در برابر یک امر سیال خدا که سجده بر آدم بود انعطاف پذیر نبود و با این کار ههزار سال عبادت خود را خراب کرد.نماز شب خوانان و حافظان سپاه امیر المومنین (ع) بر امر قرآن ناطق منعطف نبودند و قرآن سر نیزه را باور کردند و تمام خوبی ها و عبادات قبلی خود را باطل کردند.

حضرت عباس (ع) نمونه بارز این انعطاف پذیری هاست ایشان باصلح امام حسن صلح کرد و با جهاد امام حسین (ع) جهاد.

بی شک اما تاریخ به صورت مداوم در حال تکرار است و کربلا نیز وسعتی به پهنای زمین دارد و عاشورا به اندازه ی تمام زمان ها ، باید درس گرفت ، باید به معنای واقعی بصیر شد وبا شناخت راه به حقانیت مجرای ولایت چه امام و چه ولی فقیه اعتقاد قلبی پیدا کرد .باید به مولی عشق آتشین داشت و در جانبازی و جاننشاری کوتاهی نکرد. باید در مقابل اوامر ولی انعطاف پذیر شد ، در یک کلمه باید ولایتمدار شد نکند مثل شریح با بی بصیرتی امام و ولی خود را به مسلخ شهادت بکشیم نکند عاشق نباشیم و نکند متحجر باشیم و اوامر سیال ولایت را لیبک نگویم و به چندین سال عبادت خود مهر حیطت اعمالهم بزنیم . باشد که از ولایتمداران امت رسول الله قرار گیریم.

**حضرت آیت الله بهجت :**

اشکال ندارد .

**حضرت آیت الله سیستانی :**

مانعی ندارد ،اصلی درشرع نداردولی دلیلی برحرمت آن هم نیست .

**حضرت آیت الله فاضل لنکرانی :**

وجهی ندارد .

**حضرت آیت الله مکارم شیرازی:**

سزاواراست ازعلم های ساده تروسبک ترکه یاد آورپرچم علمدارکربلا باشداستفاده شود.

**حضرت آیت الله تبریزی :**

حمل علامت دردستجات عزاداری مانعی نداردوبه قصد تعظیم شعائرحسینی است .

## نقش منافقین در عاشورا

### حمیدرضا تقی پور

خشم، خشمی مقدس است و موجب پیشرفت و سربلندی است و در یک کلام به معنای امریه معروف و نهی از منکر و تولی و تبری است. حال اگر این غیرت دینی در جامعه نباشد و مردم نسبت به دین خود وفادار نباشند روح ایمان و اسلام می میرد و در نتیجه آسیب هایی دامنگیر جامعه می شود. می توان برای نمونه به موارد زیر اشاره کرد:

مهم ترین و ضربه زنده ترین آسیب،«نفاق» است.

ترک امر به معروف و نهی از منکر که، موجب تماشاجی شدن و بی تفاوتی مردم در برابر غلبه کفر بر اسلام می شود.

تساهل و تسامح، به معنای معامله گری بر سر دین با هدف جلب منافع شخصی.

و ...

همه آفت های فوق در نتیجه معدوم شدن غیرت دینی از وجود انسان ایجاد می شود که برای هر یک از این معانی می توان در جامعه زمان حضرت اباعبدالله الحسین(علیه السلام) مصداق پیدا کرد.

همانگونه که در عاشورا به وضوح به چشم می خورد که بسیاری از افراد ظاهرصلاح و متدین جامعه به دلیل بی غیرتی نسبت به آموزه های اصیل دینی دستخوش فتنه های زمان شدند و به دلیل عدم بصیرت لازم نتوانستند از دام انحراف نجات پیدا کنند و ریشه های نفاق در وجودشان رشد یافت و از آنان شخصیت های منافقی همچون عمر سعد و شمر بن ذی الجوشن خلق کرد که خود عوامل اصلی جنایت عاشورا شدند و عامه مردم هم به دلیل پنهان بودن چهره واقعی آنان نتوانستند جبهه حق را از باطل تمیز دهند و در نهایت باطل توانست بر حق غلبه پیدا کند و در نتیجه فرزند رسول خدا ویارانش در جمع مسلمین و به دست مسلمان ناهمای منافق، مظلومانه به شهادت رسیدند و اهل بیت عصمت و طهارت علیه السلام را به اسارت بردند.

امروز نیز اگر عبرت های عاشورا و وقایع تاریخ را سرلوحه برنامه ریزی خویش قرار ندهیم یقینا عاشورا دوباره تکرار خواهد شد و بار دیگر یاران سپاه حق مظلومانه در گودال های قتله گاه ذبح می شوند. پس اکنون ضرورت بصیرت افزایی اعتقادی و دینی در جامعه بویژه برای جوانان بیش از پیش روشن است تا فضای فتنه گون و عوامل نفاق در جامعه شناسایی شوند و باطل نتواند در جامعه جولان دهد. پس بکوشیم تا به عمل به فرمایشات مقام معظم رهبری مصداق این کلام از امام صادق(علیه السلام) باشیم، که می فرماید:

«**لِإِطَاعِهِ يَزْمَانُهُ لِاتِّعَاجُلِهِ عَلَيْهِ الْوَابِسُ**»

و سَعَلِمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيْ مُنْقَلَبٌ يَنْقَلِبُونَ

## استفتائات - ۴

صفحه ۵

# مشهور

ویژه نامه هفته نامه شهرسبز - یکتسنیه ششم محرم الحرام ۱۴۳۲

فتنه چیست ؟
وقتی طلا در آتش می نهند ومی گذازند تا خوبی و بدی عیار آن مشخص گردد ، به این کار فتنه گفته می شود. ( مفردات راغب /واژه ی فتنه )
فتنه در معانی مختلفی مانند آزمایش و امتحان ، گمراهی ، بلای شدید ، شرک ، کفر ،قتل و ... به کار رفته است . اما در

سه معنا ، کاربرد بیشتری دارد.

۱.آزمایش و امتحان۲. آمیختگی حق و باطل۳. آشوب و بلوا

یکی از سنت های حمیه ی خداوند متعال ، امتحان و آزمایش است . همهٔ افراد و اقوام و ملل امتحان می شوند و هر اندازه ایمان قوی تر باشد ، امتحان سختتر است . امتحان هم در قالب اموال ، مرگ و میر ، اولاد ، قحطی ، بلا و... می باشد .

در آیه دوم و سوم سوره ی عنکبوت آمده است :

. أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا أمناّ و هم لا یفتنون\*
و لقد فتنّا الذین من قبلهم فلیعلمنّ لهم الذین صدقوا و لیعلمنّ الکاذبین\*
« آیا مردم گمان کردند به حال خود رها می شوند و آزمایش نخواهند شد. ما کسانی را که پیش از آن ها بودند آزمودیم(و این ها را نیز امتحان می کنیم ) باید علم خدا در مورد کسانی که راست می گویند و کسانی که دروغ می گویند تحقق یابد . در قرآن حدود بیست مورد ، فتنه به معنای امتحان به کار رفته است . قرآن نحوه ی امتحان شدن اقوام گذشته رایان می کند تا به ما این درس را بدهد که خود را آماده تحمل بلاها و آزمودن های سخت الهی کنیم .
به عزیزیانی که می خواهند بیشتر بدانند توصیه می شود حکایت ناقه ی صالح ، اصحاب سبت و گوساله ی سامری را در قرآن بخوانند و تدبّر کنند و پند گیرند .
داستان قوم طلالت ، امتحان هایی که برای انبیای الهی هم چون یوسف ، ایوب ، ابراهیم و ... (سلام ..علیم ) پیش آمد ، هم جای درس گرفتن دارد .
جامعه ی اسلامی هم پیچیده در فتنه

### حضور ائمه در مجالس

*سؤال برخی ملاح ها یا روضه خوانها در ضمن روضه ها اظهار می دارند یکی از معصومین در جلسه حضور یافته آیا حضور ائمه علیهم السلام به صورت محسوس آنگونه که آنها اظهار می کنند ممکن است و وظیفه مومنین در برابر این اظهارات چیست ؟*

**حضرت آیت الله فاضل لنکرانی :**

خیر صحیح نیست .

**حضرت آیت الله صافی گلپایگانی :**

در این اظهارات شاید گوینده قصد جدی نداشته باشد و فقط اظهار امیدواری کند،ولی صحیح این است‌که به لفظی که مورد اشتباه و تردد و خلاف واقع باشد چیزی نگویید .

**حضرت آیت الله مکارم شیرازی :**

## فتنه شناسی

► **محمد حسن مهبودی**

زیرا سکوت خود گناهی نابخشودنی است .
حضرت امیر (ع) در جریان جنگ جمل به آن کسی که گفت : بخاطر این که امر بر من مشتبه شده ، روش عبدالله بن عمر و سعد بن ابی وقاص (که هر دو گوشه ی عزلت گزیدند ) را در پیش می گیرم ، فرمودند : در این صورت مرتکب

### فضای غبارآلود همان فتنه است .

### فتنه معنایش این است که یک عده ای بیایند با ظاهر دوست و باطن دشمن وارد میدان شوند، فضا راغبارآلودکنند.در این فضای غبارآلود، دشمن صریح بتواندچهره ی خودش راپنهان کند،واردمیدان شود و ضربه بزند

دو گناه شده ای یکی این که باید حق را یاری می کردی و نکردی و دوم این که باید به خذلان باطل اقدام می کردی که نکردی .

امیر قافله ی عشق ،فرمانده ی هوشیار و همیشه بیدار، نائب المهدی (عج) خامنه ای عزیزدر دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی فرمودند: «

دشمنان ملت ازشفاف بودن فضا ناراحتند. فضای شفاف را بر نمی تابند. فضای غبارآلودرا می خواهند. درفضای غبارآلوداست که می توانند به مقاصدخودشان نزدیک شوند و به حرکت ملت ایران ضربه بزنند. فضای غبارآلود همان فتنه است . فتنه معنایش این است که یک عده ای بیایند با ظاهر دوست و باطن دشمن واردمیدان شوند، فضا راغبارآلودکنند. دراین فضای غبارآلود، دشمن صریح بتواندچهره ی خودش

راپنهان کند، واردمیدان شود و ضربه بزند. اینجاست که امیرالمؤمنین فرمود: «ائما بدءو قوع الفتن أهواء تتبع واحكام تبتدع» تآنجایی که می فرماید:« فلوانّ الباطل خالص من مزاج الحق لم یخف علی المرئادین». اگرباطل عریان و خالص بیایدکسانی که دنبال شناختن حق

هستند، امربرایشان مشتبه نمی شود و می فهمنداین باطل است .«ولوانّ الحق خالص من مزج الباطل انقطع عنه السن المعاندین»حق هم اگرچنان چه بدون پیرایه بیاید توی میدان ،معاند دیگر نمی تواندحق را متهم کنده حق نبودن بعد می فرماید:«ولیکن یؤخذ من هذاضعف ومن ذاک ضعف فمیز جان» فتنه گریک تکه حق ،یک تکه باطل رامی گرداین ها را با هم مخلوط می کند، درکنار هم می گذارد.»
فچینند یشتبه الحق علی اولیائه «آن وقت کسانی که دنبال حقتدانها هم برایشان امرمشتبه می شود.فتنه این است دیگر.

### ۳. آشوب وهرج و مرج

فتنه درمورد بلواها وهرج و مرج هایی که درجامعه پیش می آید وامنیت وآسایش عمومی راسلب می کندنیز به کارمی رود .براساس این معنا کسی که اختلاف پیش می آورد و با گفتن حرف های نابجا و انجام حرکات تحریک کننده ، وحدت جامعه را به هم می ریزد وکسب وکارمردم را به تعطیلی می کشاند ،فتنه انگیز است که کاراو آشد (شدیدتر) و اکبر (بزرگتر) ازقتل است .

**دربرابرفتنه چه بایدکرد ؟**

خلف صالح خمینی کبیر (ره) می فرماید:

منظور حضور معنوی آنها است نه

جسمانی .

**حضرت آیت الله سیستانی :**

چنین کلماتی اعتبار ندارد .

**حضرت آیت الله بهجت :**

اینگونه اظهارات مسئله شرعی نیست تا جواب داده شود شاید نظرش این باشد چون مجلس روضه است باید

« عقل سالم حکم می کند وشرع همین راقطماً بیان می کند :علاج عبارت است از صراحت درتبیین حق

،صراحت در بیان حق .وقتی شما می بینید یک حرکتی به بهانه انتخابات شروع می شود بعدیک عامل «دشمنی» « دراین فضای غبارآلود وارد میدان شد . وقتی می بینیدعامل دشمن که حرف او ،شعاراو حاکی از ما فی الضمیر اوست امدتوی میدان ،این جاباید خط را مشخص کنید .این جا بایدمرز را روشن کنید.همه وظیفه دارند بیشترازهمه خواص ؛ و درمیان خواص بیشتراز همه آن کسانی که مستمعین دارند ، شنوندگان بیشتری دارنداین وظیفه است دیگر .مرزها روشن بشود و معلوم بشودکه کی چه می گوید .این جور نباشدکه باطل خودش را درلایلای گردوغبار برخاسته ی درمیدان مخفی کند،ضربه بزندو جبهه ی حق نداند ازکجا دارد ضربه می خورد .این است که حرف دوهپلو زدن ازخواص مطلوب نیست .خواص بایدحرف راروشن بزند و مطلب رارواضح بیان کنند،این، مخصوص یک گرایش سیاسی خاص هم نیست ... وقتی درداخل محیط فتنه ،کسانی بازبانشان صریحاً اسلام وشعارهای نظام جمهوری اسلامی رانفی می کنند با عملشان هم جمهوریت و یک انتخابات را زیر سؤال می برند ،وقتی این پدیده درجامعه ظاهر شد، انتظار ازخواص این است که مرزشان را مشخص کنند، موضعیشان رامشخص کنند. دوهپلو حرف زدن کمک به غبارآلودگی فضاست ؛این کمک به رفع فتنه نیست .این کمک به شفاف سازی نیست .شفاف سازی ،دشمن دشمن است .مانع دشمن است .غبارآلودگی ،کمک دشمن است .این خودش شدیک شاخص ،این یک شاخص است ؛کی به شفاف سازی کمک می کندوکی غبارآلودگی کمک می کند .همه این رادرنظر بگیرند. «

است ۶– حرام است .

**حضرت آیت الله فاضل لنکرانی :**

از بکار بردن عبارت و جملاتی که بوی شرک و کفر می دهد باید اجتناب شود از هر نوع عملی که جنبه توجیه پذیری ندارد و مورد سوء استفاده مغرضان و موجب وهن مذهب می شود باید اجتناب شود .
این گونه مراسم باید به دور از ریا و خودنمایی و هرگونه اغراض دنیوی به طور سنتی و معمول انجام شود تا انشاءالله مقبول درگاه الهی قرار گیرد .
از هر نوع عملی که عرفا هتک شمرده می شود مثل کف زدن و سوت زدن و به کار بردن الفاظ و عبارات رکیک و امثال آن باید اجتناب شود .
هروله در اسلام فقط در قسمتی از سعی بین صفاو مروه برای مرادن و هنگام گذار از ودای محسّر بعد از و قوف در مشعر الحرام به عنوان یک عمل مستحب وارد شده و در غیر این دو مورد به عنوان یک عمل مستحب مشروع نیست .
( استفتانات )

### استفتانات \_ ۶

## غلوّ و حرکات وهن آلود در عزاداریها

**حضرت آیت الله مکارم شیرازی :**

عزاداری خامس آل از مهمترین شعائر و رمز بقای تشییع است ولی باید به گونه ای برگزار گردد که موجب وهن مذهب نگردد و آسیبی به بدن وارد نشود و مداحان محترم از اشعار کفر آمیز یا به شرک یا مضامینی که در شأن حضرات معصومین علیهم السلام و پیروان آنان نیست خودداری ورزند و استفاده از آلات موسیقی مناسب مجالس لهو و فساد جایز نیست و برهنه شدن به هنگام عزاداری در صورتی که در حضور نامحرم باشد حرام و اگر زنان هم نباشند اشکال دارد .

**حضرت آیت الله بهجت :**

*خواندن شعر ها و گفتن سخنانی که در آن به صراحت از اهل بیت به عنوان خدا یاد می شود . مانند لا اله علی ۲– به عنوان ابزار محبت به مقام اهل بیت علیهم السلام صدای حیوان در آوردن ۳– در حال سینه زدن به هوا پریدن ۴– ذکر داستانها و رؤیا درباره اهل بیت علیهم السلام که با مسلمات روایی و قرآن منافات دارد ۵– خواند اشعار مدح یا مصیبت با آهنگی که انسان را به حرکت در می آورد ۶– خواندن اشعاری که در آن مقام خداوند متعال در برابر مقام اهل بیت علیهم السلام یائین آورده شود چه صورت دارد؟*

**حضرت آیت الله خامنه ای :**

به طور کلی عزاداری به شیوه مرسوم سنتی اشکال ندارد بلکه مستحسن است لکن گفتن جملات مذکور در سؤال یا خواندن اشعار به صورت غنا که مناسب مجالس گناه و مصیبت است و یا خواندن اشعاری که مشتمل بر دروغ باشد و یا انجام دادن اعمالی که موجب وهن مذهب می شود جایز نیست .



# ششمین

ویژه نامه هفته نامه شهرسبز – یکشنبه ششم محرم الحرام ۱۴۳۲

آنچه که از بررسی تحلیلی قیام امام حسین علیه السلام درنوشته های گوناگون متفکران مسلمان اعم ازشیعه و سنی دیده می شود عدم جامعیت کافی وهمه جانبه بودن آنها است .بایدتوجه داشت که قیام امام حسین علیه السلام اززویای گوناگون موردتأثیربوده وعوامل مختلف ومهمی دراین نهضت نقش ایفاکرده اند. ویژگی های رهبراین نهضت باعث شده که قلم های تحلیل گران بیشتربه بررسی پیرامون وی بپردازدو ازمسائلی همچون مردم کوفه ونقش یهودیت درنهضت ...بازمانند.هدف از آنچه درپیش رودارید آشنایی دادن مخاطبین بریکی ازعوامل مسلم وتأثیرگذاردرنهضت امام حسین علیه السلام است که باشناخت این عامل مسلم بیشتربراسراراین نهضت پی برده شود.

\* جمعیت شناسی مردم کوفه

درزمان خلیفه دوم درسال ۱۷ هجری شهرکوفه به دست فرمانده سپاه مسلمانان سعدبن ابی وقاص پی ریزی شد.این شهربنابه دستورخلیفه دوم برای جنگ باایرانیان با هدف بنیان گذاری یک پادگان نظامی درنزدیکی ایران به جهت مرکز پشتیبانی نیروهای عمل کننده درجنگ بودطبق نظرخلیفه دوم ظرفیت این شهرجهت اسکان به تعدادتمام سربازان بایدساخته می شد.مسجدی که ساخته شدحدود۴۰ هزارنفرظرفیت داشت ۴۰ هزار سربازجنگی که به همراه خودهرکدام یک زن ویک بچه بودومجموعاً تعدادافراددرشهر۱۲۰ هزارنفرتخمین زده می شود.پس ازبنیانگذاری شهر کوفه به علت هایی همچون خوش آب وهوابودن وکناررو در فرات قرارداشتن و مجاورت باایران و وضعیت اقتصادی مناسب که ازراه خراج غنائم سرزمین های فتح شده بدست آمده بود این شهر برای مهاجرت اقوام و مردم مختلف ازرزمین های همچون ایران ویمن وحجاز محل مناسبی شدبه طوری که ارواردو براون تاریخ نویس می گوید : « پس ازشکست ایران درفارسیه فی المثل ۴ هزارسرباز دیلمی نزدیک بحر خزر پس ازمشاوره تصمیم گرفتند به میل خوداسلام آوردند وبه قوم عرب ملحق شونداین عده درتسخیر جولابه تازیان کمک کردندو سپس با مسلمین درکوفه سکونت اختیارکردنداین مهاجرت درزمان حضرت علی علیه السلام که کوفه مرکزحکومت شد ، شدت بیشتری گرفت به طوری که سپاهیان درجنگ صفین ۶۰ هزارو یا ۹۰۰ و یا۱۲۰ هزارنفرذکرکرده اندالبته این تعدادسپاهیان حضرت بودندنه تمام ساکنین کوفه .درزمان معاویه به خاطرترس ازشیعیان ،تعدادزیادی ازآنها رامهاجرت دادندوبه شهرهای شام وخراسان ونقاط دیگرانتقال یافتند .

\* ترکیب قومیتی

ترکیب قومیتی کوفه از دو بخش عرب و

کانون فرهنگی پیامبر اعظم به مدت چند سال است سلسله برنامه هایی را با عنوان « ضیافت عشق» با هدف استفاده هر چه بیشتر اقتشار مختلف مردم کازرون از فرصت گران بهای ماه

آشنایی با برنامه های کانون فرهنگی پیامبر اعظم(ص)

**برپایی برنامه « ضیافت عشق»**

مبارک رمضان با محوریت مناجات برنامه که با استفاده از اکثریب قریب خوانی و پرسمان دینی برنامه ریزی و به اتفاق مداحان شهرستان برگزار مردم کازرون از فرصت ی اجرا رسانده است. این گردیده است در بخش پرسمان دینی

## جامعه شناسی مردم کوفه

### مهدی رحیمی ▶

غیرعرب تقسیم می شد.گروههای عرب از قبایل مختلف باآغاز فتوحات اسلامی درایران از شهرهای مختلف شبیه جزیره عربستان جمع شده وپس ازفتوحات درکوفه وبصره سکتی گزیده بودند .ازجمله این گروه هایی که درشهرساکن شدندوقسمت اعظم افرادکوفه راتشکیل می دادندبه شرح زیراست .

۱- عرب های قحطانی یا یمانی : این گروه به اهل بیت علاقه مندبودندولی بادسیسه های معاویه وسرمایه گذاری های اوآنها رایه خودنزدیک کرد .

۲- قبیله عدنانی یاتزاری

۳- قبیله بنی تعلق :این قبیله که ساکن عراق وپیوسته با ایرانیان درجنگ بودند وحین یاپس از فتح ایران به مسلمانان گرویدند .

۴- عناصرغیرعرب کوفه همچون موالی ،سریانی ها وقبطی هانتشکیل می دادند.موالی

بزرگترین گروه

غیرعرب کوفه شامل می شدند آنها عمدتاً ایرانی های مسلمان وهم پیمان شده با قبایل مختلف عرب بودندوکنترت آنها درسپاه مختاردرسال ۶۶ که بعضی تعدادآنها

را۲۰ هزار نفرنوشته اند .نشانگر فراوانی این گروه درزمان شروع نهضت امام حسین علیه السلام درکوفه است .

\*گروه های عقیدتی کوفه

این گروه های شامل دوگروه مسلمان وغیرمسلمان بودند که غیرمسلمان شامل یهودی ها ومجوسی های ایرانی ومسیحیت می شد درهمین حال تعداداین گروه غیرمسلمان اندک بود .گروه مسلمان شامل گروه شیعه وهواداران بنی امیه وخوارج وافرادی بی طرف داشت که شیعیان به دوگروه رؤسا و شیعیان عادی تقسیم می شدند .

رؤسای شیعه :سلیمان بن صدخرزائی ،مسیب بن نجیه فواندی،مسلم بن عوسجه ،حیب بن مظاهراسدی ،ابو صائدی همگی ازیاران حضرت علی علیه السلام درجنگ با معاویه بودندکه به خاندان اهل بیت علاقه داشتندوبعدازمرگ معاویه توسط این افرادنامه نگاری انجام گرفت .گروه دیگرشیعیان که بخش قابل توجه مردم کوفه بودند به دلیل تسلط بنی امیه درطول مدت متمادی به خصوص درزمان دوحاکم زیادوپسرش زهرچشمی ازآنها گرفته شده بوده گونه ای که

تاحتمال پیروزی راقطعی نمی دیدندواردنهضتی نمی شدندشایدعلت نامه نگاری آنها ونیز پیوستشان به نهضت مسلم وقیام مختاربه جهت قلعی دیدن پیروزی آنها بوده ولذاپس از استشمام بوی شکست مسلم ازکنارآودورشندانین نکته

رانبایدآزیدبرکه امضای هرفردی برپای نامه به امام حسین علیه السلام دلیل برتشیع اونمی شودزیرا درآن زمان بانزدیک دیدن پیروزی حتی افرادباندبنی امیه نیزبه امام نامه نوشتندوهواداران بنی امیه درصداقل توجهی ازمردم کوفه راتشکیل می دادند .درمدت ۲۰ سال حکومت بنی امیه آنها بسیارقوی شده بودندورؤسای کوفه(بعضی ازآنها)ازهمین گروه بودندو باعث گرایش مردم به سوی آنهاشده بود .شایدبتوان گفت اکثر جمعیت کوفه را افراد بی تفاوت تشکیل می دادندکه

**در زمان خلیفه دوم درسال ۱۷ هجری شهر کوفه به دست فرمانده سپاه مسلمانان سعدبن ابی وقاص پی ریزی شد.این شهر بنابه دستور خلیفه دوم برای جنگ با ایرانیان با هدف بنیان گذاری یک پادگان نظامی در نزدیکی ایران به جهت مرکز پشتیبانی نیروهای عمل کننده در جنگ بودطبق نظر خلیفه دوم ظرفیت این شهر جهت اسکان به تعداد تمام سربازان باید ساخته می شد.مسجدی که ساخته شد حدود ۴۰ هزار نفر ظرفیت داشت ۴۰ هزار سرباز جنگی که به همراه خود هر کدام یک زن و یک بچه بود**

همتی جزء پرکردن شکم وپرداختن به شهواتشان نداشتندیانزدیک دیدن پیروزی مسلم به اونزدیک ولی باوعده ووعیدهای ابن زیادبه لشکرعمر بن سعدپیوستندوبه جنگ امام حسین علیه السلام پرداختند فرزدق درملاقات باامام حسین علیه السلام این چنین به معرفی آنها می پردازد : □ قلب های آنهاپاتوست اماشمشیرهایش علیه توکشیده شده است.□

مردم کوفه درمقطع تاریخی دارای صفات وفضایل وردائل بودنداماازآنجا که صفات وخلقیات منفی آنها باامامان شیعه همانندامام علی وامام حسن و امام حسین علیه السلام ونیزدیگرخاندان اهل بیت همانند زیدبن علی علیه السلام نقش ماندگار زشتی بر روی این شهرگذاشته است لذا بیشترنویسندگان وتحلیلگران تاریخ اسلام این صفات را به عنوان ویژگی کوفیان ذکرنموده ودرصفات مثبت آنها غافل مانده اند.صفات مثبت مردم این شهربودکه باعث شد فتح ایران به عنوان یک امپراطوری بزرگ رخ دهد. چنانکه خودحضرت علی علیه السلام درزمانی که مردم کوفه برای جنگ باناکثین به

یاری امام علی پیوستندبه آنها خوش آمدگفت ودرخطابی فرمود:ای اهل کوفه شما شوکت عجم وپادشاهان آنها را دگرگون ساختیدوجمعیت آنها راپراکنده کردید.عنصرشجاعت کوفیان درجنگ های جمل وصفین تاقلب از (به نیزه کشیدن قرآن )ونهروان باعث شدکه پیروزی حضرت علی رافراهم شود ولی پس ازایجاداختلاف درآنها توسط معاویه وایجادترس دراتراختلاف سست شدندبه گونه ای که حضرت شدیداً ازآنها گلاویه فرمودند: □ وای اهل کوفه هرگاه خبرحرکت لشکری ازسپاه شام رامی شنویدبه خانه های خودپناه می بریدو درخانه رایه روی خودمی بندیدچنانچه سوسماروکفتاربه خانه خودمی خزد!□ این عنصردرزمان حکومت عبدالله بن زیاددرکوفه به علت دنیاپرستی ودوری آنهاازمعارف اهل بیت بعدازامام علی و...باعث

تنهاگذاشتن مسلم درمقابل سپاه عیبداالله گردیدولی بعدازجریان کربلا درقیام هایی همچون قیام توابین ومختارشاهددوباره این عنصر هستیم . در مورد ایمان اهل کوفه درزمان علی علیه السلام ایشان فرمودنددرقبل از شروع جنگ صفین اهل شام نسبت به دنیا حریص تر

از اهل کوفه نسبت به آخرت نیستند. اما این ایمان با مسلط شدن بنی امیه بعدازحضرت علی علیه السلام وتلیغات ناپلچاو سستی های آنان دردفاع ازحضرت وقایل پیداکردن به دنیاطلبی بیشرکم رنگترشده گونه ای که درسال ۶۱ هجری امام حسین راتنهاعده ای ازآنهاپا او جنگ کردندو درطرفی دیگرخوارج گروهی بودندکه نماز می خواندند، تهجد و حافظان قرآن بودند ولی ازهمین کوفه بودندکه ایمان سخت بدون بینش وبصیرت باعث اضمحلال حکومت حق شدند . خصوصیت دیگری که درکوفه یافت می شودوجودعالمان به قرآن وحدیث نبوی بودواین شهردرزمان خلیفه دوم ساخته شده بودوکسانی که نزدیامیربودندومعارف رازپیامبرگرفته به جهت جهادبه این شهرمهاجرت کرده بودندوبعضی ها مرکزیت شدن کوفه درزمان حکومت حضرت علی علیه السلام علت آن هم خطاب عمربه بعضی انصارکه به کوفه می رفتندوآنها رامشایعت می کرد یعنی به سمت مردمی می رویدکه قرآن درسینه های آنان است وصدای قرآن خواندن آنان

با مطرح کردن سه موضوع « اخلاق اسلامی (گناهان زبان) ، مهدویت و تفسیر موضوعی» به پرسش های شرکت کنندگان در این سه زمینه پاسخ می دهد.

صفحه ۷

تعدادقابل توجهی ازآنها ازکوفه بودند وازآئمه نیز درمدح کوفه روایاتی داریم که درآنها ازکوفه به عنایونی چون □ کنزالایمان، جمجمه الاسلام یادشده ویژگی های منفی این مردم درباره ی همه آنهاصداق نبوده واین صفات دربرهه ای ومطابق باحادثه های رخ داده است انسان هابامتحانات الهی مختلفی روبرومی شوندودرهرزمان ممکن است درجات ایمانی آنها کم یازیادباشدولذاعکس العمل ها متفاوت می شودممکن است دریک زمان یک جامعه کافرشنودولی بعدازمدتی توبه کرده وایمان بیابورند.دنیاطلبی بعضی ازکوفی ها به طوری که این شهر جهت جنگ ایرانی ها به وجودآمده بودولذاعده ای که برای جنگ آمده بودنددرواقع ملاک آنهارضای خدابلکه به خاطرغنائم وثروت آمده بودندلذا درمواقعی که جان خود را در خطر می دیدندعقب می رفتند و در مواقع سود مادی در کار بود خود را نشان می دادند البته گروهی از کوفی ها که تعدادآنها هم زیادبوداینچنین بودند .ازاینجاست که عمق کلام امام حسین هنگام فرود درسرزمین کربلا پی می بریم که فرمود:مردمان بندگان دنیايندودین مانندامری برزبان آنها افتاده است تاهنگامی که معیشت آنها برقرار باشدامانگامی که درامتجان اقتنددینداران اندک خواهندبود .

در پایان چند نکته عرض می کنم . صفات خوب و بد انسان بسته به ایمان او دارد اگر تقوی اش همراخ با تمسک به اولیای الهی باشد انسان نجات پیدا می کند . در روایتی داریم : « ان مثل اهل بیتهی کمثل سفینه ... » و هر کس و هر جامعه ای اگر برای امر قدم بردارد ولی تقوای الهی نداشته باشد و به اهل بیت تمسک نکند نتیجه آن هلاکت است هر چند شاید ظاهر به نظر برسد که پیروز شده است . کوفی ها از زمانی ضعف پیدا کردند و شکست خوردند که مولای خویش یعنی امیرالمومنین را مورد توجه قرار ندادند و عمل به احکام و دستورات حجه خدا فکر نکردند که دوری از ولایت و احکام او دوری از خدا و رستگاری است.

یک سوال آیا اگر ما در آن زمان به جای کوفی ها بودیم تحت تاثیر فشارها و به قولی جنگ روانی دشمن قرار نمی گرفتیم آیا تحت تاثیر جو حاکم بر آن زمان که حاصل روش های مختلف دشمن بود واقع نمی شدیم مطمئنا اگر ایمان ما و بصیرت ما و امام شناسی ما به اندازه کوفی ها باشد حتی اگر امام معصوم هم حضور داشته باشد همان صفات و ویژگی ها برای ما هم رخ داد.

\_\_\_\_\_
مو سوعه کلمات امام الحسین/کتب شهید مطهری/ تاریخ طبری/کوفه پیدایش شعر اسلامی/بحار الانوار/ الاخیار العوال/

# شهادت

ویژه نامه هفته نامه شهرسبز - یکشنبه ششم محرم الحرام ۱۴۳۲

ﻻشهادت هنر مردان خداستﻻ این سخن از پیر فرزانه ما امام خمینی (ره) واقعیت و اوج ارزش و منزلت شهادت را یادآور می شود، و این سخن مقام عظمای ولایت به ما آرامش می دهد که: ﻻزنده کردن یاد و خاطره شهدا کمتر از شهادت نیست.لذا بر آن شدم که با نوشتن این مقاله شاید بتوانم که یادی و خاطره ای از شهدا و شهادت را زنده کنم تا از فیض این دریای بیکران بی بهره نیاشم.

ایشار و شهادت دو میوهٔ ارزشمند و متعالی دین و مکتب الهی است، بنابر این برای درک بهتر این دو میوه لازم است که با معنا و مفهوم این دو بهتر آشنا شویم

**تعریف ایثار**

(ایثار) در لغت، به معنای برگزیدن ، غرض دیگران را بر غرض خویش مقدم داشتن و مانند آن است. به عبارتی به معنای از خود گذشتگی و ترجیح و برتری دادن به آنچه مطلوب دیگران است.ایثار در اصطلاح عبارت است از: بخشش مال به کسی، یا وجود احتیاج به آن. در اخلاق اسلامی به معنای گذشت از خود به نفع دیگران است و اینکه درباره چیزهایی را که خود به آن نیازندیم، دیگران را بر خود ترجیح دهیم. اگر بخشی از مال خود را به دیگران بدهیم و برای خود هم نگه داریم، اتفاق کرده ایم، ولی « ایثار» این است که مال خود را تماما به دیگری بخشیم، در حالی که خود به آن نیاز داریم. بعضی از معانی ایثار، در امور مالی یا مقدم داشتن خواسته دیگران، در مسائل دنیوی صدق می کند، ولی آنچه در حیطه امور دینی و اعتقادی و دفاع از ارزشها مطرح است چیزی بیش از اینهاست و در این مجال، مفاهیمی نظیر گذشت از جان، مال، مقام، شخصیت، آبرو و نظایر آن برای هدفی مقدس را شامل می شود. بدین معنا که یک انسان با اعتقاد، در راه اعتلای اسلام و پایداری در راه اقامه شعایر دینی و دفاع از ارزشهای مقدس و برافراشتن پرچم توحید، با تمام امکانات مادی و معنوی خود تلاش کرده، و حتی از بذل جان و مال خویش در راه حفظ و حراست از هدف مقدّس و متکامل خود، دریغ نورزد. بنابراینایثار یک واژه عام است که در همه مکتب ها و فرهنگ ها وجود دارد اما در اسلام از یک برتری خاصی برخوردار است و هر تلاش و فداکاری و از خودگذشتگی را ایثار نمی گویند ، بلکه ایثار در اسلام، پیش زمینه ای چون اخلاص و در راه خدا بودن، دارد. ایثار بیانگر رشد و معرفت انسانی است و این موقعی است که انسان به یک تکامل روحی دسترسی پیدا کند.

ایثارگری از آنجایی که حامل پیام هایی همچون: خداخواهی، دین باوری، خدایابی، انسان دوستی و دگرخواهی، شهادت، رشادت، از خودگذشتگی، عزت و عظمت و... است، در بین ما تقدس پیدا کرده است قرآن کریم هم نیز با بیان شواهد و نمونه هایی، ایثار را در ابعاد مختلف ستوده است، مانند آنجا که:در

بیان ایثار جانی حضرت علی (ع) می

فرماید: ﻻوَ مِنْ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ؛ و بعضی از مردم برای به دست آوردن خشنودی خدا جان خویش را فدا می کنند.و در جای دیگر ایثار مالی خاندان پیامبر(ص)را چنین می ستایند: ﻻوَ يُطْعِمُونَ الطَّامِعَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا؛غذای خویش را با آنکه آن را دوست دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می خوراندند.و نمونه های دیگری مانند انصار که در حال فقر به مهاجرین مکان و غذا دادند یا آنجا که حضرت ابراهیم فرزندش حضرت اسماعیل را برای ذبح کردن به قربانگاه میبرد مورد تمجید و ستایش قرار می دهد و همچنین در روایات از ایثار به عنوان (خوی و خصلت ایرار و برگزیدگان الهی، نیکوترین احسان و اعلی مراتب ایمان) نام برده شده است، چنان که امیرمؤمنان علی (ع) می فرماید: ﻻآیْثارٌ سَجِيَّةُ الْاَبْرارِ وَ شِيْمَةُ الْاَخْيارِ؛ ایثار خوی نیکوکاران و شیوه نیکان است. در جای دیگر فرمود: ﻻآیْثارٌ اَحْسَنُ الْاِحْسانِ وَ اَعْلَى مَراتبِ الْايمان؛ ایثار نیکوترین احسان و بالاترین مراتب ایمان است.ایثار واقعی ارتباط تنگاتنگی با مفهوم شهادت دارد و در حقیقت باید گفت این دو مفهوم از یکدیگر تفکیک ناپذیرند. آنجا که انسان

مکتبی و دین مدار، خون پاکش را در راه پاسداری از اسلام و ارزش های متعالی آن، تقدیم می کند، به بالاترین درجه ایثار رسیده و محبوب ترین مقام را نزد خدایش دارد؛ چنان که رسول خدا(ص) درباره ارزش خون پاک شهیدان راه خدا می فرماید: ﻻما مِنْ قَطْرَةٍ اَحَبَّ اِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ قَطْرَةٍ دَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ هیچ قطره ای در پیشگاه خداوند، محبوب تر از قطره خونی که در راه خدا ریخته می شود نیست.

**شهادت**

در لغت عبارت است از حاضر بودن ، گواهی دادن ، کشته شدن در راه خدا و در فرهنگ قرانی ، از شهادت با تعبیر // قتل فی سبیل الله // یاد شده است : // ولا تقولوا لمن يقتل فی سبیل الله اموات بل احياء ولكن لا تشعرون // به کسانی که در راه خدا کشته می شوند ، مرده نگویید ، بلکه آنان زنده اند ، ولی شما درک نمی کنید . نیز ، خداوند مستری اموال و جانهای کسانی است که در راه خدا می جنگند ، می کشند و کشته می شوند و پاداش بهشت از خداوند می گیرند : // ان الله اشتری من المومنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون ... //این فداکاری و از جان گذشتگی در راه خدا و دین ، نهایت رستگاری انسان مومن است و آنان که جان خویش را بر سر دین می نهند ، هم به کامیابی ابدی در آخرت می

آشنایی با برنامه های کانون فرهنگی پیامبر اعظم(ص)

**هسته ی فرهنگی جوان و بوستان های معرفت**

شرکت کننده در این برنامه، شهبات خود را از دیگر اعضای شرکت کننده خود را در زمینه ی مورد بحث به نظر در کلاس دریافت دارند و استاد و دیگران گذاشته و چه بسا پاسخ مسوول جلسه به هدایت و نتیجه

## گشت و گذاری به وادی ایثار و شهادت

► **محمد جوشن**

رسند ، هم شهداتشان سرچشمه الهام و الگوی فداکاری برای دیگران محسوب می شود.در علت نامگذاری چنین مرگی به // شهادت // گفته اند : // یابدان جهت است که فرشتگان رحمت خدا در صحنه شهادت حضور می یابند ، یا بدان سبب که خدا و رسول ، به بهشتی بودن شهدا گواهی می دهند ، یا اینکه شهید در قیامت ، همراه انبیا بر امتهای دیگر گواهی می دهد ، یا اینکه شهید ، زنده و حاضر است ، به مقتضای // احیاء عند ربهم یرزقون // ، یا بدان جهت که شهید ، به شهادت حق قیام می کند تا کشته شود // . فیض شهادت ، چنان ارزشمند است که اولیاء دین همواره از خداوند ، آرزوی آن را داشته اند . در دعاهای ما نیز مکرر از خداوند ، درخواست شهادت



شده است که در پایان نمونه هایی از این دعاها را ذکر خواهیم کرد. همچنین روایات بسیاری در باره شهادت و جایگاه شهید آمده است . رسول خدا ص فرموده است : // فوق کل بر بر حتی یقتل الرجل فی سبیل الله ، فاذا قتل فی سبیل الله فلیس فوقه بر //
بالترا از هر نیکی ، نیکی است ، تا آنکه انسان در راه خدا کشته شود . پس چون در راه خدا کشته شد ، بالاتر از آن ، نیکی نیست .در احادیث است که : شهادت ، برترین مرگ است . قطره خون شهید ، نزد خدا از بهترین قطرات است . شهادت موجب آمرزش گناهان می شود . شهید از سوال قبر ، مصون است و فشار قبر ندارد و در بهشت ، با حوریان هماغوش است . شهید ، حق شفاعت دارد . شهدا اولین کسانی اند که وارد بهشت می شوند و همه به مقام شهیدان غبطه می خورند

**اهمیت شهادت**

در دوران سیدالشهدا (ع) ، شرایطی پیش آمده بود که جز با حماسه شهادت ، بیداری امت فراهم نمی شد و جز با خون عزیزترین انسانها ، دین خدا جان نمی گرفت . این بود که امام و اصحاب شهیدش ، عاشقانه و آگاهانه به استقبال شمشیرها و نیزه ها رفتند تا با مرگ خونین خویش ، طراوت و سرسبزی اسلام را تامین و تضمین کنند و این سنت ، همچنان در تاریخ باقی ماند و // شهادت // درس بزرگ و ماندگار عاشورا حل این معما ( آگاهانه سراغ مرگ

برای همه نسلها و عصرها گشت.

به فرموده امام خمینی ره : خط سرخ شهادت ، خط آل محمد و علی است و این افتخار از خاندان نبوت و ولایت به ذریه طیبه آن بزرگواران و به پیروان خط آنان به ارث رسیده است.

کسی می تواند به این جایگاه رسد ، که رشته های علایق جسمانی و حیات مادی را گسسته باشد و عشق به حیات برتر ، او را مشتاق شهادت سازد . گذشتن از این موانع و رسیدن به آن وارستگی و رهایی از تعلقات ، ایمانی بالا می طلبد و به همین جهت است که شهادت ، نزدیکترین طریق و راه میان بر برای رسیدن به خدا و بهشت است .

غیر از کشتگان میدان جهاد ، در روایات اسلامی کسان دیگری هم که نوعی رنج کشیده و تلاش داشته اند و جان در آن راه باخته اند ، همچون کسی که در دفاع از مال ، جان ، شرف و ناموس خود و برای احقاق حق خویش کشته شود ، یا آنکه در مهاجرت در راه خدا جان بسپارد ، یا آنکه با ایمان کامل و با محبت اهل بیت ع و در حال انتظار فرج برای حاکمیت عدل جان بدهد ، نیز کسی که در راه طلب علم بمیرد یا در غربت مرگش فرا رسد ، یا زنی که هنگام زایمان ، جان بسپارد ، یا آنکه در راه عمل به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر کشته شود، // شهید // محسوب شده اند.

**شهادت طلبی**

از القابى بر جسته نهضت عاشورا و از روحيات والای حسین بن علی ع و یارانش ، عنصر // شهادت طلبی // بود ، یعنی مرگ در راه خدا را // اجدی الحسنيين // دانستن و دریچه ای برای وصول به قرب خدا و بهشت برین دیدن و از این رو شیفتگی و بی صبری برای درک فضیلت شهادت .

امام حسین ع در خطبه // خطّ الموت ... // به آن تصریح می کند و با جمله // من کان باذلا فینا مهجته فلیر حل معنا // یاران شهادت طلب را هم بر می گزیند و به مسلخ عشق ، کربلا می برد . اینگونه به استقبال مرگ رفتن ، چون مبتنی بر درک والاتری از فلسفه حیات است ، با خود کشی متفاوت است . خود کشی و خود را به هلاکت افکندن ، شرعا حرام و عقلا ناپسند است ، اما استقبال از مرگ به خاطر ارزشهای متعالی ، مشروع و معقول است . حتی اگر انسان بداند در یک حماسه و مبارزه به شهادت خواهد رسید ، مرگ او خودکشی نیست ، چون گاهی تکلیف ایجاب می کند که جان را فدای دین کند ، چون دین ، گرامیتر از انسان است .

دین خدا عزیزتر است از وجود ما این دست و پا و چشم و سر و جان فدای دوست

حل این معما ( آگاهانه سراغ مرگ

رفتن ) تنها با درک و برداشت متعالی تر از زندگی والا و کرامت انسانی میسر است . اینکه امام حسین ع هم از شهادت خود آگاه است و با همین علم ، به کربلا می رود . به همین نکته بر می گردد . آن حضرت مرگ سرخ را بهتر از زندگی ننگین می داند : // لا اری الموت الا سعاده والحیاة مع الظالمین الا برما // .

این فرهنگ ، پذیرفته همه اقوام و ملتهاست و این نوع مرگ انتخابی و آگاهانه ، مکمل حیات شرافتمندانه است ، نه در تناقص با آن . چون مرگ ، پایان نیست تا کسی با انتخاب مرگ ، به پایان یافتن خویش کمک کرده باشد . مرگ سرخ و شهادت ، نوع کمال یافته تری از حیات است . امام حسین ع با علم به شهادت در حادثه کربلا به آن قربانگاه رفت ، تا در سایه شهادتش ، اسلام زنده بماند و حق ، حیات یابد . این ، هدفی است ارزشمند که می سزد چون حسین ع هم قربانی آن گردد . سیدالشهدا ع این راه را بر گزید و آن را پیش پای بشریت گشود و روندگان این صراط جاودانه ، همه شاگردان مکتب عاشورايند.

اصحاب امام حسین ع نیز در شب عاشورا ، یک به یک بر خاسته ، این روحیه را ابراز می داشتند و از مرگ ، هراسی در دلشان نبود .حضرت علی اکبر ع هم در مسیر راه کربلا ، وقتی کلمه استرجاع را از زبان امام حسین ع شنید و حضرت خبر از آینده شهادت امیز داد . پرسید : // السنا علی الحق ? // مگر بر حق نیستیم ؟ فرمود : آری . حضرت علی اکبر گفت : // یا ایه لا نبالی بالموت // پس چه ترسی از مرگ ؟ (۲) حضرت قاسم هم در شب عاشورا وقتی از امام پرسید که آیا من نیز کشته خواهیم شد ? و امام پرسید : مگر در نظرت چگونه است ? پاسخ داد : شیرین تر از عسل // احلی من العسل // .

اینها همه نشان دهنده این روحیه و اندیشه است که مرگ در راه عقیده و شهادت در راه خدا ، آرزوی قلبی وارستگی است که رشته تعلقات دنیوی را بریده و به حیات برین و رزق الهی در سایه شهادت دل بسته اند . در اشعاری هم که امام حسین ع روز عاشورا یا قبل از آن روز می خواند ، این مفهوم مطرح بود . از جمله

وان یکن الابدان للموت انشات

فقتل امرء بالسیف فی الله افضل

و نیز در رجزهای آن حضرت ، مرگ را بر زندگی ذلت بار ترجیح دادن می درخشد : // الموت اولی من رکوب العار // .

حضرت زینب س در خطبه اش در مجلس یزید ، بر این شهادتها افتخار می کند : // ... فالحمدلله ربالعالمین الذی ختم لاولنا بالسعاده والمغفرة و لاخرنا بالشهادة والرحمه // . حضرت سجاد ع نیزدربرایرتهدیهی کمالین زیاد کرد که آن حضرت را یکشند ، فرمود : // اباقتل تهددنی یاین زیاد ? اما علمت ان القتل لنا عادة و کرامتنا الشهادة // . مرگ ، برای ما عادت است و شهادت ، افتخار ماست ، مرا از مرگ می ترسانی ؟



# مشهد

ویژه نامه هفته نامه شهرسبز – یکشنبه ششم محرم الحرام ۱۴۳۲

بدون شک، دسته‌جات عزاداری و هیات‌های مذهبی، از دیرباز نقش مؤثری را در زنده نگه داشتن راه و روش معصومین(ع) داشته و دارند در حقیقت، هیات‌های مذهبی به عنوان مهم‌ترین زمینه‌ساز گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و فرهنگ حماسه‌ای و عاشورایی به شمار رفته و می‌روند. نویسنده ضمن اعتقاد راسخ به هیأت‌های مذهبی و تأکید بر حفظ و گسترش آن‌ها، نکاتی را که خواسته، یا ناخواسته به صورت انحرافی در هیات‌های مذهبی در حال نفوذ و گسترش می‌باشد، متذکر می‌گردد؛ به امید آنکه مورد توجه سخنرانان و مداحان و گردانندگان محترم آن‌ها واقع شود.
آن شاء الله.
با عنایت به اینکه در حال حاضر هیاءت‌های مذهبی با سبک‌های جدید در حال گسترش می‌باشد، مطالب این نوشتار بر اساس این نوع هیات‌ها تنظیم گردیده است.الف) بی توجهی و یا کم‌توجهی به محتوای حماسه‌ای و معرفتی انسان موجودی است که احساس و عقل در کنار هم و با هم در وجود او نقش آفرینی می‌کنند. احساس بدون عقل و عقل بدون احساس هیچکدام نمی‌توانند به تهنایی برای او موفقیت را رقم بزنند.با این مقدمه، باید توجه داشت که جلسات هیاءت‌ها، باید هم معرفت و شناخت را در انسان تقویت کند و هم احساسات و عواطف او را در جهت همان معارف صحیح سوق دهند. بدون شک چنانچه هیاءت‌ها در مورد هر کدام از این دو رکن (معرفت و احساسات) کوتاهی نمایند، هدف اصلی این برنامه‌ها محقق نمی‌شود.

آنچه در حال حاضر باعث نگرانی شده، آن است که در بعضی از هیاءت‌ها به تحریک احساسات و عواطف بیش‌تر از معرفت و شناخت توجه می‌شود. محتوای بعضی از سخنرانی‌ها و اشعار مداحان اهل بیت (ع)، بیش‌تر عواطف را تقویت می‌کنند تا معرفت و شناخت را؛ و این در دراز مدت، هیأتها را از کارکرد اصلی خود باز می‌دارد. همچنین باید توجه داشت که حتی در تحریک احساسات، باید تقویت روحیه حماسی و عاشورایی را مورد توجه فوق‌العاده قرار داد؛ زیرا همین روحیه حماسی و عاشورایی است که همواره در طول تاریخ، منشأ تحولات اجتماعی بوده است.شکل‌گیری انقلاب اسلامی را می‌توان به عنوان نمونه بارز تاء‌تیرپذیری از همین روحیه به حساب آورد که نقش هیاءت‌ها و سخنرانان و مداحان در پیدایش آن، کاملاً ممتاز و چشم‌گیر است.ب) کم توجهی به مسائل سیاسی، اجتماعی،اسلام دینی است درای جنبه‌های فردی و اجتماعی. هیاءت‌های مذهبی به‌عنوان یکی از پایگاه‌های ترویج دین اسلام باید در ارائه برنامه‌های مختلف

### نکاتی پیرامون

### هیأت‌های مذهبی و مداحان اهل بیت(ع)

#### امین رصاف ►

اسلامی از جمله برنامه‌های سیاسی و اجتماعی، تلاش‌های شایسته‌ای داشته باشند؛ خصوصاً در زمان ما که با مجاهدت‌های امام و روحانیت و شهدا و توده مردم، اسلام عملاً وارد عرصه اجتماع گردیده و به عنوان دینی که توانایی اداره اجتماع را دارد، مطرح شده است. انتقادی که به عملکرد بعضی از هیاءت‌های مذهبی وارد است، آن است که به مسائل فردی اهمیت زیادی داده می‌شود؛ اما نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی، عنایت لازم صورت نمی‌گیرد. تأکید بر مسائل اخلاقی و بی‌توجهی به مسائل اجتماعی، ممکن است ناخودآگاه در آینده کارکرد اجتماعی را از هیاءت‌ها سلب نماید؛ به طوری که اگر هیأتی خواست به این رسالت خویش عمل نماید، باید انواع برچسب‌های نادرست چون: «این هیاءت سیاسی است و…» را متحمل شود.ضمن آنکه این نوع ارائه مطالب، ناخواسته نوعی جدایی دین از سیاست را در ذهن مخاطب تقویت می‌کند.

رواج آهنگ‌های نامناسب توسط بعضی از مداحان بدون شک، مداحان در زنده نگه داشتن راه و روش ائمه اطهار ونهضت عاشورا نقش بسیار ممتازی دارند. توجه ائمه اطهار و بزرگان به این قشر، نشان از اهمیت و ارزش کار این عزیزان بوده و هست. اما آنچه در زمان ما در بعضی از هیاءت‌ها در حال شکل‌گیری است، نشانگر نوعی افراطی‌گری و مداح محوری است.آنچه از طرف بزرگان و معصومین صورت می‌گرفته و می‌گیرد، ارزش دادن به این قشر بوده و هست؛ نه محور قرار دادن آنها؛ که آنچه هم اکنون در بعضی از هیاءت‌ها صورت می‌گیرد، آن است که محوریت برنامه‌ها با مداحان است؛ به طوری که روحانیت و بزرگان، مجلس گرم کن مداحان شده‌اند. ناگفته نپیداست در صورت شیوع این جریان، هیاءت‌ها به محلی برای تخلیه شور و هیجانات تبدیل می‌شوند و این از خطرات است.علاوه بر مداح محوری، شیوع آهنگ‌های نامناسب توسط بعضی مداحان، خطر بدذائقه‌کردن قشر جوان را هشدار می‌دهد. با کمال تأسف باید گفت بخشی از آهنگ‌هایی که امروزه توسط برخی مداحان ترویج می‌شود، نه تنها با شاهن ائمه اطهار مناسبت ندارد؛ بلکه شائبه مطرب بودن در آنها بسیار زیاد است. و این پدیده خطرناک، آسیب‌های جدی را در ذائقه نسل جوان به وجود خواهد آورد؛ همان گونه که اگر بخواهند ماشینک کودکی را بگیرند تا به او ماشینی بدهند، قبول نمی‌کند و گریه

در این برنامه که توسط یکی از

برادران و خواهران طلبه کانون

برگزار می شود تلاش برنامه ریزان

بر آن بوده است تا در صورت امکان

#### آشنایی با برنامه های کانون فرهنگی پیامبر اعظم(ص)

#### قانون حیات

خواهران

پرداخته، شرکت کنندگان

در این کلاس در انتها به سطح قابل

قبولی از اطلاعات احکام برسند.

شخص

خواهران محترم عضو کانون در

خواهران مسایل مربوط و مختص به

صفحه ۹

## پیشنهاد اصلاح و بهبود عزاداری

#### علی اسدزاده ►

« وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ... فَأَئْبَاهُ مِینَ تَقْوَى الْقُلُوبِ »
و هر کسی شعائر الهی را بزرگ دارد ، این کار نشانهٔ تقوای دلهاست .
تمام برنامه هایی که باعث احیاء و ترویج مکتب نورانی اسلام شود،شعائر الهی محسوب می شود و تعظیم آن نشانه ی تقوای دلهاست و مجالس حسینی، مصداق بارز این گونه شعائر است چرا که این مجالس در حقیقت احیای اسلام ناب،و راه اهل بیت (ع) بوده که سمبل اسلام نابند و نباید نادیده انگاشت که برگزاری این گونه مجالس با همه ارزشهایش دارای شرایطی است که کوشش در بهینه سازی آن بسیار لازم و ضروری است چنان چه امام راحل( ره) فرمودند: ما در هیچ یک از دینداران نمی گوئیم، که این اسم (عزاداری) هر کس هر کاری می کند، خوب است.

چه بسا علمای بزرگ و دانشمندان بسیاری از این کارها را، ناروا دانسته و به نوبت خود از آن جلوگیری کردند.

به همین منظور،برای بهتر برگزار شدن عزاداری پیشنهاداتی

ارائه می گردد،

امید که باز

شدن باب

انتقاد و

پیشنهاد در

این رابطه،

موارد زیر مورد

توجه واقع و

سبب بهبود

مراسم

سوگوری ها و

عزاداری ها

شود.

۱- تأکید بر

بیشترین استفاده از مجالس عزاداری در جهت ارشاد و هدایت و امربه معروف و نهی از منکر، به ویژه در روزهای تاسوعا و عاشورا، که اجتماعات بیشتر است و فرصت تبلیغ ممکن می باشد.

۲- رعایت احکام و مقررات اسلام و توجه به اهمیت آن در عزاداری ها، حتی دستورات مستحبی مانند نماز اول وقت، نماز جماعت، رعایت پوشش و حجاب اسلامی در مجامع عمومی

۳ - مبارزه تبلیغاتی نسبت به حرکت های مخالف شئون اسلام و جلوگیری از آوردن بعضی و شبیه سازی های غیرمستند که باعث وهن اسلام می شود.

۴ - استفاده از علما و جوانان تحصیل کرده، مبتکر و خلاق در مدیریت هیأت ها، مرثیه سرایی ها.

۵ - دعوت از هنرمندان، شعرا و ادبا برای این که هنر و ادب خود را در خدمت غنی سازی و به روزسازی فرهنگ عزاداری ابا عبدالله الحسین(ع) قرار دهند و در تاسوعا و عاشورای حسینی هنرنمایی کنند ومرثئی، نوحه ها، روضه ها و

« وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ... فَأَئْبَاهُ مِینَ تَقْوَى الْقُلُوبِ »

و هر کسی شعائر الهی را بزرگ دارد ، این کار نشانهٔ تقوای دلهاست .
تمام برنامه هایی که باعث احیاء و ترویج مکتب نورانی اسلام شود،شعائر الهی محسوب می شود و تعظیم آن نشانه ی تقوای دلهاست و مجالس حسینی، مصداق بارز این گونه شعائر است چرا که این مجالس در حقیقت احیای اسلام ناب،و راه اهل بیت (ع) بوده که سمبل اسلام نابند و نباید نادیده انگاشت که برگزاری این گونه مجالس با همه ارزشهایش

دارای شرایطی است که کوشش در بهینه سازی آن بسیار لازم و ضروری است چنان چه امام راحل( ره) فرمودند: ما در هیچ یک از دینداران نمی گوئیم، که این اسم (عزاداری) هر کس هر کاری می کند، خوب است.

چه بسا علمای بزرگ و دانشمندان بسیاری از این کارها را، ناروا دانسته و به نوبت خود از آن جلوگیری کردند.

به همین منظور،برای بهتر برگزار شدن عزاداری پیشنهاداتی

ارائه می گردد،

امید که باز

شدن باب

انتقاد و

پیشنهاد در

این رابطه،

موارد زیر مورد

توجه واقع و

سبب بهبود

مراسم

سوگوری ها و

عزاداری ها

شود.

۱- تأکید بر

بیشترین استفاده از مجالس عزاداری در جهت ارشاد و هدایت و امربه معروف و نهی از منکر، به ویژه در روزهای تاسوعا و عاشورا، که اجتماعات بیشتر است و فرصت تبلیغ ممکن می باشد.

۲- رعایت احکام و مقررات اسلام و توجه به اهمیت آن در عزاداری ها، حتی دستورات مستحبی مانند نماز اول وقت، نماز جماعت، رعایت پوشش و حجاب اسلامی در مجامع عمومی

۳ - مبارزه تبلیغاتی نسبت به حرکت های مخالف شئون اسلام و جلوگیری از آوردن بعضی و شبیه سازی های غیرمستند که باعث وهن اسلام می شود.

۴ - استفاده از علما و جوانان تحصیل کرده، مبتکر و خلاق در مدیریت هیأت ها، مرثیه سرایی ها.

۵ - دعوت از هنرمندان، شعرا و ادبا برای این که هنر و ادب خود را در خدمت غنی سازی و به روزسازی فرهنگ عزاداری ابا عبدالله الحسین(ع) قرار دهند و در تاسوعا و عاشورای حسینی هنرنمایی کنند ومرثئی، نوحه ها، روضه ها و

#### این مجالس در حقیقت احیای اسلام ناب و راه

#### اهل بیت (ع) بوده که سمبل اسلام نابند و نباید

#### نادیده انگاشت که برگزاری این گونه مجالس با

#### همه ارزشهایش دارای شرایطی است که

#### کوشش در بهینه سازی آن بسیار لازم و

#### ضروری است چنان چه امام راحل( ره) فرمودند:

#### ما در هیچ یک از دینداران نمی گوئیم، که این

#### اسم (عزاداری) هر کس هر کاری می کند، خوب

#### است.

شود و هم وقت بیشتر برای ادای حتی مطلب و پیاده کردن یک برنامه جامع زنجیرزنی، سینه زنی، نوحه و روضه خوانی و سخنرانی

<b>آشنایی با برنامه های کانون فرهنگی پیامبر اعظم(ص)</b>		
<b>اهداف این برنامه آن است که با رصد مسایل و مشکلات اخلاقی مبتلا به برادران و خواهران، چون حسد، تهمت، غیبت و... برادران و خواهران طلبه کانون شد.</b>	<b>کلید خوشبختی</b>	<b>اخلاقی پرداخته به سوالات خواهران محترم پاسخ داده می</b>
<b>کلاس هایی با موضوع هایی ترتیب داده شده و با استفاده از به بررسی این آسیب های</b>		

## چرائی حضور در هیئت

### سجاد شریفی

از نگاه عارفان در میان معصومان (ع) حضرت سیدالشهدا ء امامی است که پیش از دیگران ، سالکان کوی عشق را راهبری می کند . حسین (ع) است که خود مست از جام الست ، جامی در دست دارد تا جان تشنگان را قطره ای از ظهور به عشق الهی آتش زنده، از این رو حضور در هیات باید به انگیزه توسل به ساقی عشق باشد تا آن امام همام ، ما را نیز فراتر از زمان و مکان به جمع یاران عاشورایی خویش ببرد . در این اظهار عشق به حضرت سیدالشهدا ء (ع) نیز گرچه گناهان بخشوده می شود ، هدف اصلی عشق ورزی است و نه چون معامله گران اشک فروختن و بهشت خریدن . در این خیل، کسی به انگیزه بهشت رفتن برای حسین (ع) نمی گرید که اینجا هرچه هست عشق است و بس . بدیهی است که اظهار عشق راستین تنها به زبان محدود نمی شود که عشق باید در جان گسترده شود و در عمل نیز جلوه یابد . انسان عزاداری که از عشق می گوید و جز به مشق ابلیس رفتار نمی کند ، خود را به سخره جان گرفته است. عارف بزرگوار ، حاج اسماعیل دولابی (ره) در تأکید نگرش «عشق ورزی با ساقی عشق» می گوید : ماه محرم یکی از ماه های تکامل است محبت و عزاداری امام حسین (ع) انسان را زود به مقصد می رساند . « کلناسفنج النجاه ولكن سفینه الحسین اسرع : همه ما کشتی نجاتیم ، اما کشتی حسین (ع) انسان را زود به مقصد می رساند.» در میان این گروه

قال الصادق (علیه السلام) یا داود : بلغ موالی عنی السلام و اقول رحم الله عبد اجتمع مع اخر فتذکرا امرنا فان ثالثها ملک يستغفر لها . و ما اجتمع اثنان علی ذکرنا الا باهی الله تعالی بها الملائکه و اذا اجتمعم فاشتغلوا بالذکر فان فی اجناکم و مذاکرتمکم احباء نا و خیر الناس من بعدنا من ذاکرنا بمدنا و مدنا و دعا الی ذکرنا بحار الانوار علامه مجلسی ج ۱ ص ۲۰۰ « آدمی آن گاه که بدون بصیرت و شناخت عمیق ، کاری انجام دهد ، همانند کسی است که در بی راهه سیر می کند ؛ هر قدر سریع تر رود از مقصد دورتر می شود » (من لا یحضر الفقیه ج ۴ ص ۴۰۱، ۴۰۲) (۵۸۶۴) با تطبیق این حدیث امام صادق (ع) به موضوع هیئت ، این نتیجه در خود تأمل پدیدار می شود : «آدمی آن گاه که بدون بصیرت و شناخت عمیق درباره فلسفه عزاداری به هیئت پای می گذارد ، با هر قدم از امام حسین دورتر و دورتر می شود » گو بدو چندان که افزون می دوی از مراد دل جدر می شوی (مولوی ) درباره چرائی حضور در هیات، دیدگاه های متفاوت و گاه متضادی وجود دارد که یافتن کامل ترین و جامع ترین پاسخ ، گذشته از آنکه از پیدایی نتیجه پیش گفته « دوری از حضرت سیدالشهدا » مانع می شود، می تواند به دعوی دیرینه « تقدم ارزشی سخنرانی یا مداحی » در هیات پایان دهد و مشخص سازد که کدام یک اصل است و دیگری فرع ؟ پایخ این سوال مارا یاری خواهد کرد که اگر فر صتمان برای حضور کامل در مراسم

هیات محدود بود ، بدانیم منبر را بر گزینیم یا سوگواری را ؟ برای روشن شدن مطلب به بیان و نقد این دیدگاه ها خواهیم پرداخت .

**بخشودگی گناهان**

این گروه محافل اهل بیت (ع) را در مجالس برای پاک شدن از گناهان می دانند و اشک ها را بارانی بر شعله های جهنم . پایه فکری این دیدگاه ، بر این حدیث امام صادق (ع) استوار است که : « هرکس از ما یاد کند یا نزد او از ما یاد کنند و به اندازهٔ بال مگسی اشک بریزد ، خدا گناهانش را می آمرزد ، هر چند بیش از کف دریا باشد » با این نگرش می توان در طول سال گناه کرده و در یک دهه با اشک خود راهی میان بر به بهشت پیدا کرد . این عده در استدلال خود ، آگاهانه یا ناآگاهانه ، از آوردن شرط عقلی و بدیهی این پاداش خودداری می کنند تا مبادا بهشت رفتنشان منتفی شود . آری پاک شدن از گناهان ، کمترین پاداشی است که خدای حسین (ع) برای عزاداری ثبت خواهد کرد ، اما به این شرط که عزاداری با معرفت و شناخت نسبت به دلیل اصلی عزاداری انجام گرفته باشد . اگر عزادار فلسفهٔ اصلی حضور در هیات را در یابد و به همان نیت نیز در مجلس شرکت کند ، قطعاً از چنین پاداشی بهره مند خواهد شد . از نگاه این گروه اصل در هیئت ها عزاداری است و سخنرانی مقدمه ای برای آن است

تسلی حضرت زهراء (س)

بنابر این دیدگاه حضرت زهرا (ع) ۱۳۷۰سال است که برای شهادت فرزند خود به سوگ نشسته اند و بر شیعیان لازم است که حضور در مجالس عزای آن امام ، مرهمی بر دل آن بانو باشند . در این نگاه نیز ، اصل در هیئت ، عزاداری است

**زنده نگه داشتن پیام عاشورا**

در این نگرش ، وجودی هیات ها ، استمرار رسالت حضرت زینب (س) و زنده نگه داشتن درس ها و عبرت های عاشوراست ، درس هایی چون ظلم ستیزی ، عشق به ولایت ، اهمیت نماز و .... و عبرتهایی مانند چرائی به شهادت رساندن نوهٔ یک پیامبر به دست پیروان همان پیامبر ! این نگاه گر چه بر خلاف دو نظر پیش ، بسیار دقیق تر است ، اما در اندک مواردی افراط ورزی و رو شنفکر نمایی گروهی از طرف داران این دیدگاه ، کار را به جایی رسانده است که گریستن برسیدالشهدا ء (ع) ، تنها به منزلهٔ چاشنی جلسات و یا یک پشتوانه عاطفی زنده نگه داشتن پیام های عاشورا مطرح شده است و آنچه اهمیت تام و تمام دارد ، شناخت و گستراندن آموزه های عاشورایی است . در این نگاه اصل در هیات سخنرانی

**عشق ورزی با ساقی عشق**

**یوسف مردم**  
کاظم دهقانیاغرد

بر سر نی طره افشانی مکن  
جان زکف بردی غزل خوانی مکن  
ای صبا برهم مزن مژگان او  
چشمه ی آرام طوفانی مکن  
ای نسیم هرزه گرد زلف او  
گو به زلفانش پریشانی مکن  
از چه مژگان بسته ای یعقوب وار  
یوسف مردم تو زندانی مکن  
ژاله می بارد زر نگین سنبلیت  
ابر چشم شعله بارانی مکن  
این همه نور از کجا آورده ای  
کوچه ی روشن چراغانی مکن  
قطره قطره می چکد برنی دلت  
چشم بسته گریه پنهانی مکن  
ای که سرگردان به هر سو می روی  
زینبت اینجاست حیرانی مکن  
« یا کریم» از سر می دیگر مگو  
پاره شد پرده غزل خوانی مکن

### فرات اشک

نصرا... مردانی

بخوان حماسه خونین کربلا با ما  
که شد بسیط زمین جمله همصدا با ما  
سر بریده به میدان عشق می گوید  
حدیث خونین شهیدان نینوا با ما  
فرات اشک ز چشمان خاک می جوشد  
ز سوگواری گلهای کربلا با ما  
دوباره پیکر صدچاک لاله آوردند  
به کوچه ای بهشتی فرشتگان با ما  
به پای بوسی ما آفتاب می نازد  
به نام عشق بخوانند انبیا با ما  
ز موج خیز خطر فاتحانه می گذریم  
که هست معجزه موسی و عصا با ما  
لهیب آتش نمرودیان گل افشانه  
به روز حادثه باشد اگر خدا با ما  
پی سلامت سردار عاشقان دیدیم  
که دست غیب بلند است در دعا با ما

### عباس مهتاب

حسین برزویی

می بارد امشب چشم من الماس مهتاب  
بر سیب سرخ گونه ها ، احساس مهتاب  
پیچیده عطر یک شقایق در دل دشت !  
در خون نشسته دست های یاس مهتاب  
هرم عطش آتش زده در باغ طاها  
در شعله ی دنیای دون ، گیلاس مهتاب  
از التهاب سینه لب ها کبودند  
بر بهمن دشت گونه ها آماس مهتاب  
دردی به وسع آسمان روییده با غم  
در سینه ی پهناور حساس مهتاب  
در شط یرخ علقمه سروی فتاده!!  
یا پیکر صدپاره ی عباس مهتاب  
سر های هفتاد و دو اختر دور خورشید  
بر برج های نی ، زجور داس مهتاب  
می سوزد اینک ۱ خیمه های سبز ایمن  
در کنیه ی دیرینه خناس مهتاب



# مشکات

ویژه نامه هفته نامه شهرسبز - یکشنبه ششم محرم الحرام ۱۴۳۲

در اسلام به همان مقدار که از فساد، انتقاد و با آن مقابله شده، نسبت به اصلاح سفارش و تأکید شده است. قرآن تنها به ایمان و تقوای درونی اکتفا نمی کند، بلکه اصلاح را لازمه‌ی ایمان و تقوی می‌شمارد. «أمن و اصلح (1)»و «فمن اتقى و اصلح(2)»

خداوند خود اوّل مصلح است؛ «و اصلح بالهم»(۳) و لذا از مردم نیز خواسته تا اوّل عیب های خود را اصلاح کنند: «تابوا و اصلحوا...»(۴) و سپس به اصلاح جامعه بپردازند. «فاتقوا الله و اصلحوا ذات بینکم»(۵) اصلاح گر هرگز به دنبال فتنه انگیزان نمی‌رود، «و اصلح و لا تتبع سبیل المفسدین»(۶) البته اصلاحات باید بر معیار عدل و قانون باشد «فاصلحوا بینهما بالعدل و اقسطوا»(۷)

کسی که راه های صلاح و اصلاح را به روی خود ببندد، نابود خواهد شد هر چند فرزند پیامبر باشد؛ «انه لیس من اهلک انه عمل غیر صالح»(۸) (ای نوح!) او از خاندان تو نیست، براستی که عمل او غیر صالح است. اولیای الهی از خدا درخواست می کردند که به صالحان ملحق شوند. «الیحقنی بالصالحین»(۹)

قرآن معمولاً ایمان را همراه عمل صالح بیان کرده است؛ «الذین آمنوا و عملواالصالحات» اثر بخشی عمل صالح محدود به زمان و مکان نیست و حتی نسل‌های بعدی از اعمال پدران صالح خود خیر و بهره می برند. «و کان ابوهم صالحا»(۱۰)

قرآن هدف از کامیابی از نعمت‌ها را انجام عمل صالح می‌داند، «یا ایها الرسل کلوا من الطیبات و اعملوا صالحا»(۱۱) یعنی بهره گیری و کامیابی شما از نعمت‌ها باید برای انجام کار نیک و عمل صالح باشد.

خداوند متعال حکومت آینده‌ی زمین را نصب بندگان صالح خود خواهد کرد. «ان الارض یرثها عبادی الصالحون»(۱۲)

انسان بعد از اصلاح خود، باید به اصلاح دیگران بپردازد و تمام توان خود را در این راه بکار گیرد «ان ارید الا الاصلاح ما استطعت»(۱۳) چیزی جز اصلاح تا سر حد توانم نمی‌خواهم.

البته خداوند متعال اصلاح طلبان واقعی را از کسانی که شعار اصلاح می دهند، جدا می کند و چهره‌ی مدعیان دروغین را افشا می کند؛ «قالوا انما نحن مصلحون الا انهم هم المفسدون و لکن لا یشرعون»(۱۴) آنها می‌گویند: فقط ما اصلاح طلبیم، آگاه باشید آنها خود فساد کنندگانند، ولی نمی‌فهمند.

آری، خداوند مصلحین واقعی را می‌شناسد. «و الله یعلم المفسد من المصلح»(۱۵) خداوند به مصلحان واقعی وعده‌ی پاداش داده است. «انا لا نضع اجر المصلحین»(۱۶)

نکته قابل توجه آنکه هر چه میزان فساد بالا برود، تلاش مصلحانه‌ی بیشتری را طلب می کند. (چنانکه هر چه هوا گرم تر شود، نیاز به آب زیادتر می‌شود) و هر چه مفسدان خطرناکتر شوند، مصلحان بزرگتری می طلبد. در برابر نمود جز ابراهیم علیه السلام و در برابر فرعون جز موسی علیه السلام و در برابر یزید جز حسین علیه

السلام چه کسانی می‌توانند مقابله کنند؟!

بدیهی است برنامه‌ی اصلاحات همیشه با نامه و گفت وگو و تذکر پیش نمی‌رود، بلکه گاهی شرایطی پیش می آید که باید به استقبال خطر رفت. امام حسین علیه السلام اوّلین مصلح اسلامی است که به استقبال سخت ترین شداید رفت و جان خود را تسلیم حق نموده و به شهادت رسید.

**حرکت امام حسین بر اساس قرآن**
باتوجه به اینکه قیام امام حسین جز برای رضای خداوند نبوده است، قرانی بودن آن نیز به درستی از آیات وحی فهمیده می شود:

- همین که نماینده یزید در مدینه (مروان) تصمیم گرفت که از امام حسین علیه السلام برای یزید بیعت بگیرد، امام فرمود: «ویلک یا مروان فانک رجس» وای بر تو، تو پلید هستی و ما خانواده‌ای هستیم که خداوند در شأن ما فرموده است: «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا»(۱۷) همانا خداوند می‌خواهد که از شما اهل بیت هر پلیدی (احتمالی، شک و شبهه‌ای) را بزداید و شما را چنانکه باید و شاید پاکیزه بدارد

امام حسین علیه السلام در پایان وصیت‌نامه‌ای که قبل از حرکت به کربلا نوشتند، به این آیه استناد کردند: «و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب»(۱۸) توفیق من جز به (اراده) خداوند نیست که بر او توکل کرده‌ام و به او روی آورده‌ام. - همین که برای فرار از بیعت با یزید، از مدینه به سوی مکه خارج شدند (۲۸ رجب)، این آیه را تلاوت فرمودند: «فخرج منها خائفا یتربّ قال ربّ نجّنی من القوم الظالمین»(۱۹) آنگاه که (موسی) از آنجا ترسان و نگران بیرون شد و گفت: پروردگار! مرا از قوم ستمکار نجات بده. - : شیخ مفید(ره) می‌گوید: همین که امام حسین علیه السلام به سوی مدینه رهسپار شد، گروه‌هایی از جن و فرشته برای یاری آن حضرت حاضر شدند، اما امام این آیات را تلاوت فرمودند: «اینما تکتونا یدرککم الموت و لو کنتم فی بروج مشیّده»(۲۰) هرجا که باشید و لو در برجهای استوار سر به فک کشیده، مرگ شما را فرا می‌گیرد. همچنین آیه‌ی: «لیرزّ الذین کتب علیهم القتل الی مضاجعهم»(۲۱) کسانی که کشته شدند، در سرنوشتشان نوشته شده بود (با پای خویش) به قتلگاه خود رهسپار می‌شدند.

- همین که امام حسین علیه السلام شب جمعه سوم شعبان (قبل از حرکت به کربلا) وارد مکه شدند، این آیه را تلاوت فرمودند: «و لما توجهّ لتقاء مدّین قال عسی ربّی أن یردّنی سواء السبیل»(۲۲) و چون رو به سوی مدین نهاد، گفت: باشد که پروردگارم مرا به راه راست راهنمایی کند.

- : در مکه همین که با ابن عباس گفتگو می کردند درباره‌ی بنی امیه این آیات را



## امام حسین(ع) و قرآن

### مسلم سعادت پور ►

تلاوت فرمودند: «انهم کفروا بالله و برسوله و لایأتون الصلاة الا و هم کسالی»(۲۳) آنان به خداوند و پیامبر او کفر ورزیده و جز با حالت کسالت به نماز نپرداخته اند... و همچنین آیه‌ی: «یرائون الناس و لایدکرون الله الا قلیلا» با مردم ریاکاری کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند. و آیه‌ی «مذنبین بین ذلک لا الی هؤلاء و لا الی هؤلاء و من یضل الله فلن یتجدّ له سیلا»(۲۴) در این میان (بین کفر و ایمان) سرگشته‌اند، نه جزو آنان (مؤمنان) و نه جزو اینان (نامؤمنان) و هر کس که خداوند در گمراهی واگذاردش، هرگز برای او بیرون شدنی نخواهی یافت. و فرمودند: «کل نفس ذائقه الموت و انما توفون أجورکم»(۲۵) هر جانداری چشنده (طعم) مرگ است و بی شک در روز قیامت پادشاهیتان را به تمامی خواهند داد.

- در آستانه عید قربان که امام حسین علیه السلام از مکه به سوی کربلا حرکت کردند، نماینده یزید در مکه راه را بر حضرت بست، درگیری با تازیانه رخ داد، به امام حسین گفت: می ترسم شما میان مردم شکاف بیفتنی!! حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: «لی عملی و لکم عملکم انتم بریئون مما اعمل و انا بریء مما تعملون»(۲۶) عمل من از آن من و عمل شما از آن شما، شما از آنچه من می کنم بری و برکنارید و من از آنچه شما می کنید بری و برکنارم.

- همین که در مسیر کربلا خبر شهادت مسلم را شنیدند فرمودند: «انا لله و انا الیه راجعون»(۲۷) کسانی که چون مصیبتی به آنان رسد، گویند: ما از خداییم و به خدا باز می‌گردیم.

- در نزدیکی کربلا همین که خرُ به امام گفت: چرا آمده‌ای؟ فرمود: نامه‌های دعوت شما مرا به اینجا آورد، ولی حالا پشیمان شده‌اید و این آیه را تلاوت فرمود: «فمن نکت فانما ینکث علی نفسه»(۲۸) پس هرکس که پیمان شکند، همانا به زبان خویش پیمان شکسته است.

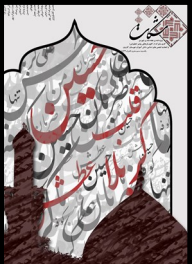
- در مسیر کربلا همین که خبر شهادت نامه‌رسان خود «قیس بن مسهر صیداوی» را شنید گریه کرد و این آیه را تلاوت فرمودند: «فمنهم من قضی نجبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا»(۲۹) از ایشان کسی هست که بر عهد خویش (تا پایان حیات) به سربرده است و کسی هست که (شهادت را) انتظار می کشد و هیچ گونه تغییر و تبدیلی در کار نیاورده‌اند.

- همین که فرماندار کوفه (ابن زیاد) نامه رسمی برای خرُ فرستاد که راه را بر حسین علیه السلام ببندد و او نامه را به امام عرضه داشت، امام این آیه را تلاوت فرمودند: «و جعلناهم ائمهً یدعون الی النار...»(۳۰) و آنان را پیشوایانی خواندیم که به سوی آتش دوزخ دعوت می کنند و روز قیامت یاری نمی‌یابند.

- امام حسین علیه السلام در کربلا درباره

### :: مشکات ::

کاری مشترک از کانون فرهنگی پیامبر اعظم(ص) و اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان زیر نظر شورای نویسندگان صفحه آرا: احمدرضا زارعی



صفحه ۱۱

فرزندش علی اکبرعلیه السلام را قبل از جوانان بنی‌هاشمی به میدان نبرد فرستاد.

قرآن می‌فرماید: «فاستقم کما أمرت و من تابَ مَعَكَ»(۴۵) ای پیامبر! تو و یارانت استقامت بورزید، در کربلا بهترین جلوه‌های استقامت را در امام حسین ویارانش علیهم

السلام می‌بینیم.

قرآن به جای نام‌بردن از افراد، ملاک‌ها و معیارها را بیان می کند. مثلاً می فرماید: مولای شما کسی است که در رکوع نمازش انگشتر خود را به فقیر داد و در یک لحظه

بین نماز و زکات را جمع کرد، و این مردمند که باید جستجو کرده مصداق آیه را پیدا کنند، در کربلا امام حسین علیه السلام نفرمود: من با یزید بیعت نمی کنم، بلکه فرمود: «مثلی لایبایع مثله» یعنی خطِ ستیز حق و باطل در طول تاریخ بوده، هست و خواهد بود. قرآن می فرماید: بدی های مردم را با خوبی جواب دهید:

«ویدرؤن بالحسنه السیئه»(۴۶) در کربلا خرُ راه را بر امام می بندد، ولی امام حسین علیه السلام به تشنگان لشکر خرُ و حتی به اسب‌های آنها آب می‌دهد.

قرآن پیروی از خدا و اولیای الهی و وفاداری را سفارش می کند، برخی یاران امام حسین علیه السلام که جان خود را برای نماز ظهر عاشورا سپر کرده و تیرها را به جان خریدند هنگامی که امام بعد از نماز و در لحظه آخر عمر آنان بالای سرشان آمد آنها پرسیدند: آیا وفا کردیم؟ گویا تا آن لحظه نسبت به وفاداری خود شک داشتند!

قرآن در بسیاری از آیات سفارش به توحید می کند، جمله ای که امام حسین علیه السلام فرمود: «لا معبود سواک» بهترین جلوه‌ی این آیات است.

قرآن به نهی از منکر و غیرت دینی و دفاع از حریم سفارش می کند، در کربلا آخرین جمله امام حسین علیه السلام در کودی قتلگاه به لشکر یزید این بود که به خیمه های من حمله نکنید و ناموس مرا پاس دارید و اگر دین ندارید لا اقل در دنیا آزاد مرد باشید!

قرآن به تسلیم و رضا در پیشگاه خدا سفارش می کند، امام حسین علیه السلام نیز که روزی بر دوش پیامبراسلام صلی الله علیه وآله و روزی زیر سُم اسبان بود، در هر حال راضی و تسلیم خداوند است.

۱) انعام، (۲/۴۸ اعراف، (۳/۳۵) محمد، (۴/۲) نساء، (۵/۱۴۶) انفال، (۶/۱ اعراف، (۷/۱۴۳) حجرات، (۸/۹) هود، (۹/۴۶) شعراء، (۱۰/۸۳) کهف (۱۱/۸۲) /ؤمنون، (۱۲/۵۱) انبیاء، ۱۰۵ (۱۳/۱۳) هود، (۱۴/۸۸) بقره، ۱۱ – (۱۵/۱۲) بقره، (۱۶/۲۲۰) اعراف، (۱۷/۱۷۰) احزاب، ۳۳ (۱۸/ هود، (۱۹/۸۸) قصص، (۲۰/۲۱) نساء، (۲۱/۷۸) آل عمران، (۲۲/۱۵۴) قصص، ۲۲ (۲۳) توبه، (۲۴/۵۴) نساء، ۱۴۲ – (۲۵/۱۴۳) آل عمران، (۲۶/۱۸۵) یونس، (۲۷/۴۱) بقره، (۲۸/۱۵۶) فتح، (۲۹/۱۰) احزاب، (۳۰/۳۳) قصص، (۳۱/۴۱) مجادله، (۳۲/۱۹) یونس، (۳۳/۷۱) اعراف، (۳۴/۱۹۶) دخان،(۳۵/۲۰۰) غافر، (۳۶/ ۲۷) انفال، (۳۷/۳۴) توبه، (۳۸/۸) شعراء، (۳۹/۲۲۳) یوسف، (۴۰/۱۰۸) حشر، ۹/ (۴۱) اعراف، (۴۲/۱۲۸) طه، (۴۳/۱۳۲) انشراح، (۴۴/۴) زمر، (۴۵/۱۲) هود، (۴۶/۱۱۲) رعد، ۲۲.





کوفه مالک مالک

**دهه اول محرم (۱۵ تا ۲۶ آذرماه)**  
باهیئت‌های فاطمیون و انصارالمهدی «ع»  
واعظ: حجت الاسلام و المسلمین رصاف  
ذاکرین: دیدار، بشکار، امینیان، دهقان زاده  
**مسجد جامع مدرسه ساعت ۷:۳۰ شب**

فاطمیون  
انصارالمهدی  
کمیته عالی  
اصول